

مهر پرستی (میترائیسم)

در خاور و باخته (پیدایش، گشایش، تکامل)

نگارش دکتر جمشید جمشیدی



خورشید صبحگاهی

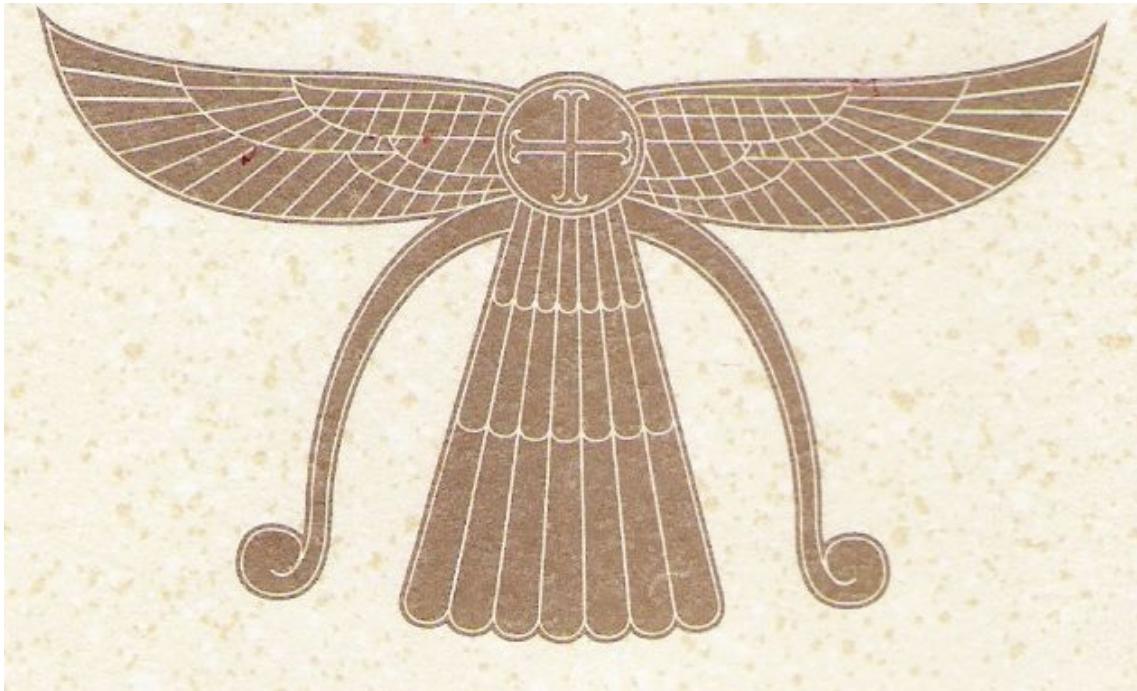
اکراه نباشد، همه گردان	آه، سوزاننده و خروشان	خورشید خانم چرا غ کیهان
بدور محور تو عاشقان	طاقت فرساد و جان گذاران	چه زیبا و مهریان
چرا که جنب و دفع جانان	لیریز از سود و زیان	با صلابت و جوشان
هان، تعادل باشد رسم خدایان	نماد تضاد کیهان	حیات بخش و پروردگاران

MITHRAISM

in EAST and WEST

(Origin, Unfolding, Integration)

by Jamshid Jamshidi



«فهرست»

صفحه	
1	پیش گفتار
3	ادیان نخستین در بین مهاجرین
6	الهیات میترا در باخت و خاور
8	میترای باختری
12	میترای خاوری
17	یزدان مهر
19	معرفت شناسی خاوری - دین اسلام
23	کابala عرفان یهودیت
25	آئین میترا و بودیسم
28	تئوسوفی نوین
36	جمعندی
38	پی نوشت ها
45	قدردانی

پیش گفتار

نه ترسا نه یهودم من نه گبرم نه مسلمان
نه شرقیم نه غربیم نه بزیر نه بهریم
دوئی از خود بدر کردیم یکی دیدم دو عالمرا
یکی جویم یکی دامن یکی بینم یکی خوانم
مولوی

بر حسب اتفاق در کتابخانه شهر به کتاب جالب و کمیابی با عنوان "الهیات میترا" از باستان تا عصر تنوسفی نوین^۱ برخوردم. این کتاب در بیش از پانصد صفحه توسط پژوهشگری به نام ماساتو توجو^۲ به زبان ژاپنی نگاشته شده است. (ما در زیر با تیتر خلاصه "الهیات میترا" از این کتاب نام می برم). پس از مطالعه این کتاب به حقیقتی تائف آور واقف شدم؛ این که از فرهنگ باستانی و اجدادی سرزمین خود معلوماتی بسیار ناچیز، ناقص و شاید هم در حد هیچ دارم. از این جهت بر آن شدم تا خلاصه ای از آن بنویسم که هم مطالعات خود را جمع بندی و حاضر در ذهن کرده باشم و هم در معرفی این فرهنگ غنی باستان به علاقه مندان پژوهشگر اندک کوششی کرده باشم.

نوشتار حاضر اساساً خلاصه ای از کتاب فوق الذکر می باشد ولی در زمینه هائی که احتیاج به توضیحات افزونی بود از منابع دیگر و یا حافظه نگارنده این نوشتار کمک گرفته شده است. لازم به توضیح است که کتاب "الهیات میترا" به تشریح مبانی نظری کیهان شناسی یا الهیات میترائی^۳ و ادیان متاثر از آن محدود نمی شود. طبیعتاً نوشتار در دست خواننده هم به تبع از بحث در باره چند و چون این نظریه ها و یا میزان انطباق آنها با داده های استدلی و علمی صرف نظر کرده است. ولی نباید از نظر دور داشت که اصولاً پویائی و موفقیت یک دین یا جهان بینی را نه تنها از منظر تئوریک صرف بلکه باید از زوایای گوناگون دیگر هم مورد سنجش قرار داد. پژوهش در حوزه شاخه های دیگر الهیات از جمله الهیات اجتماعی سیاسی یا عملی^۴، الهیات تاریخی^۵، الهیات اخلاقی^۶ و غیره نیز به عنوان ابزار سنجش از اهمیت مساوی برخوردار خواهد بود.

در این نوشتار متوجه خواهیم شد که فلات ایران با مهاجرت اقوام هند و ایرانی چگونه مهد پرورش فرهنگ های باستان و ادیان رسمی جهان می شود. نطفه های فرهنگی، از جمله اسطوره ها، دین زرده شد و آئین مهر نخستین که در این خطه از جهان بسته شده بود تولد و رشد فرهنگ ها و ادیان بالغ امروزی را به ارمغان آورد. به عبارتی جهان در ایران بود و بالاخره ایران در جهان منتشر شد(شکل صفحه 2 را نگاه کنید). برخورد با فرهنگ های جهان با توجه به پیشینه های مشترک فرهنگی نه تنها از حس ستیزه جوئی یا پرستش ما نسبت به این فرهنگ ها می کاهد

¹ Mithraic Theology- From Ancient to Modern Theosophy, Masato Tojo, May 24.1996

² Masato tojo

³ Philosophical or Dogmatic Theology

⁴ Practical or Social Theology

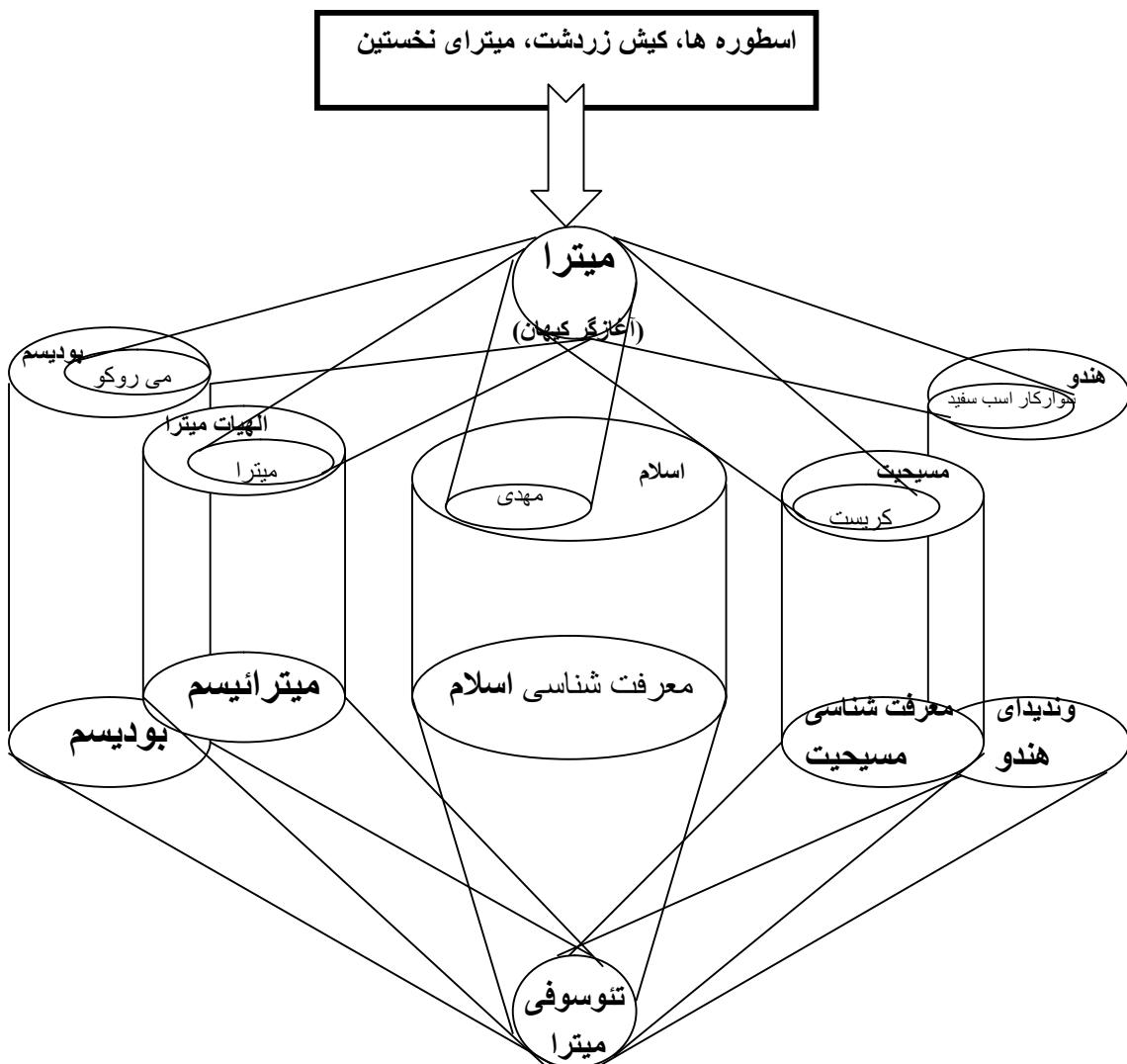
⁵ Historical Theology

⁶ Moral Theology

بلکه جو تفاهم و درک متقابل و چه بسا همزیستی، همنوائی و همکاری پویایی ما را نسبت به آنها تسهیل میکند.

نکته با اهمیت دیگری که در این خلاصه همچنان چشمگیر است حکایت همزیستی کثرت فرهنگ‌ها با هم است. پیدایش و گشایش ادیان گوناگون در فلات گسترده ایران مارا به درک این حقیقت هدایت میکند که فرهنگ اقوام مختلف چه در محدوده مرز مشخصی و چه در فرای مرزها در صورت تماس و تبادلات آزاد فرهنگی با یکدیگر ناگذیر از تاثیر متقابل امکان توسعه و تحول شایان و فراگیرتری خواهد داشت.

از جهتی باید اذعان کرد که فرهنگ ایران در هر برده از زمان نه یک فرهنگ یکنواخت و متجانس بلکه فرهنگی مختلط، نامتجانس و فراگیر بوده و هست. تنها از دیدی فراگیر، هولیستیک و تلفیقی است که میتوان با ساختار ناهمگون فرهنگ ایران برخوردي منصفانه و علمی داشت که بی‌گمان شرط پیشرفت پایدار در این عرصه است.



گسترش آئین میترا در ادیان جهان و تحول تتوسفی نوین میترانی.

حدود دو هزار سال قبل از میلاد بخشی از اقوام هند و ایرانی از مناطق آسیای مرکزی(فقفاز) به فلات ایران مهاجرت کردند. پژوهشگران علت این مهاجرت تاریخی را سرد شدن ناگهانی و شدید منطقه ذکر کرده اند. اهم اقوامی که از راه های خاور و باخترا دریایی خزر به فلات ایران مهاجرت کردند شامل هیتیت ها، میتانی ها، مادها، و کاسی ها، و پارت ها میشود که ظاهرا همگی آن ها به نوعی پیرو باورهای میترائی بوده اند. گو اینکه ایمان چند خدائی مشخصه باورهای آنها بوده است میترا(فروغ خورشید) در بین خدایان آنها محوریت داشته است. ایندرا، ورونا(اورانوس)، آنور(آذر)، آناهیتا(ناهید، زهره)، خشاتریا(تیر/عطارد)، وَهَران(بهرام)، وايو(نیروی طوفان)، آگنی(آتش سوزنده) دیگر خدایان اقوام آریائی بودند.

امپراتوری هیتیت⁷ که حدود 710 سال ادامه داشت و در نواحی آسیای صغیر(ترکیه فعلی) حکمرانی میکرد، از نقطه نظر قوم شناسی با اقوام میتانی بسیار نزدیکی داشته است. هیتیت ها پیروی خدای خورشید یا پستان/ استان بودند که بعد آشکار شد این خدا همان یزیدی(یزدان) است که در کردی عنوان میترا بوده است.

امپراتوری میتانی⁸ حدود 430 سال در فلات ایران حکمرانی کردند و مقر آنها در کرکوک بود. "میتانی" مشتق از نام میترا و به معنای مقر حکومت میترائی است. آنها از پیروان جدی آئین میترا بودند.

امپراتوری ماد⁹ حدود 285 سال ادامه یافت. پایتخت حکمرانی ماد ها هکمتانه(همدان) بود و آنها با آموزش کاهنان بسیار و اعزام آنها به سراسر آسیای باختری در ترویج آئین میترائی کوشش فراوان مبذول داشتند.

اقوام کاسی¹⁰ چون دارای جمعیت قلیلی بودند تشکیل امپراتوری مستقلی ندادند ولی با بابلی ها به همکاری و شراکت در ترویج باورهای دینی پرداختند. برخی نام بحر خزر را که به دریای "کاسپین" هم مشهور است مشتق از نام کاسی ها دانسته اند. بابلی ها با بهره گیری از فنون اخترشناسی پیروی خدای خورشید شمش(=شمسم) بودند. با ورود اقوام کاسی به جامعه بابلی اولین تماس های باورهای میترائی با اخترشناسی بابلی ها صورت میگیرد. ظهور کاهنان کارآمد کلانی بجهت ترویج دین جدید که نتیجه آمیزش آئین مهر با اخترشناسی بابل بود از خصوصیات این دوره است. فعالیت کاهنان کلانی سرآغازی در جهت شکل گیری میترای باختری میشود.

بعد از ملاشی شدن امپراتوری ماد اقوام پارسی تشکیل حکومت هخامنشی¹¹ را میدهد که حدود 220 سال با سر بلندی و افتخار ادامه پیدا کرد. انجمام حکومت هخامنشی مدیون تفاهم بین تمام فرهنگ های اقوام در خطه پهناور حکمرانی آنها بود(شکل 1). دین مغان¹² [1]، مزدائی، مانائی، میترا، یهود و بودائی در جوار هم با تاثیر گزاری روی هم به زندگی می پرداختند. گو اینکه دین

⁷ Hittite, 1900BC~1190BC

⁸ Mitanni, 1700Bc~1270BC

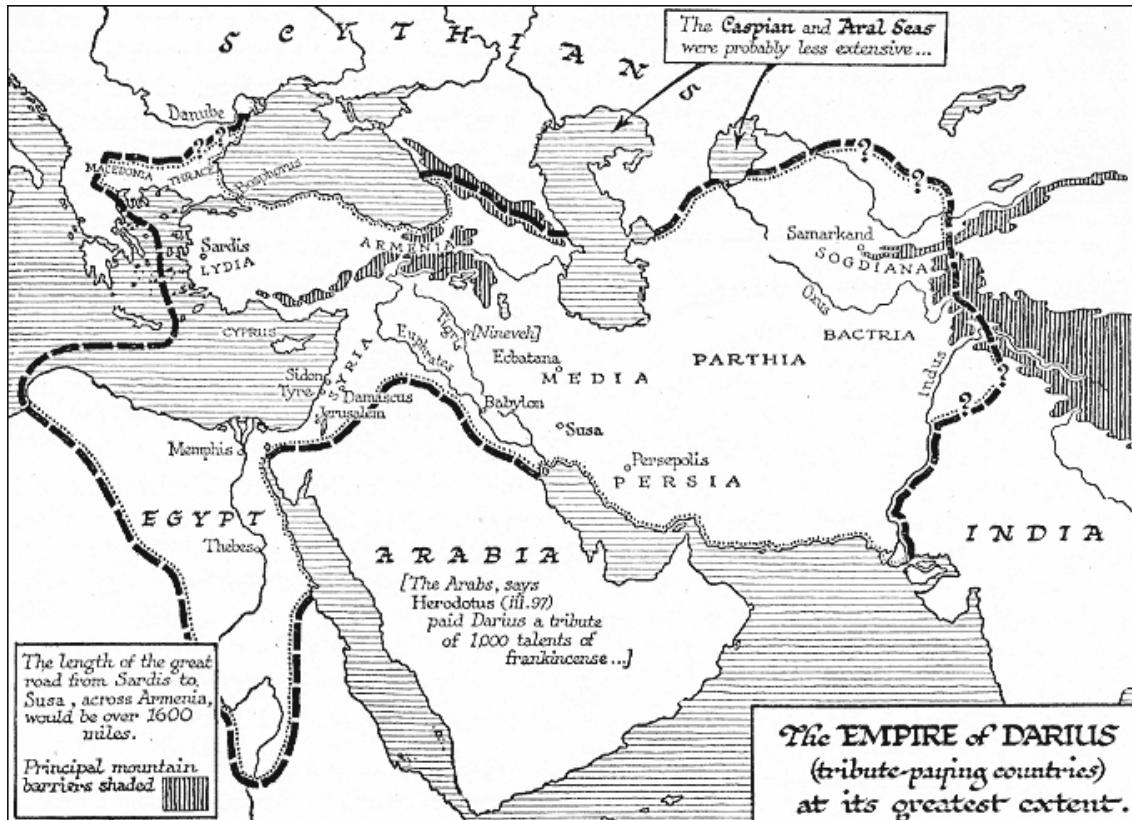
⁹ Media, 835BC~550BC

¹⁰ Cassites, 1530BC~1150BC

¹¹ Achaemenid Persia, 559BC~331BC

¹² Magian Religion

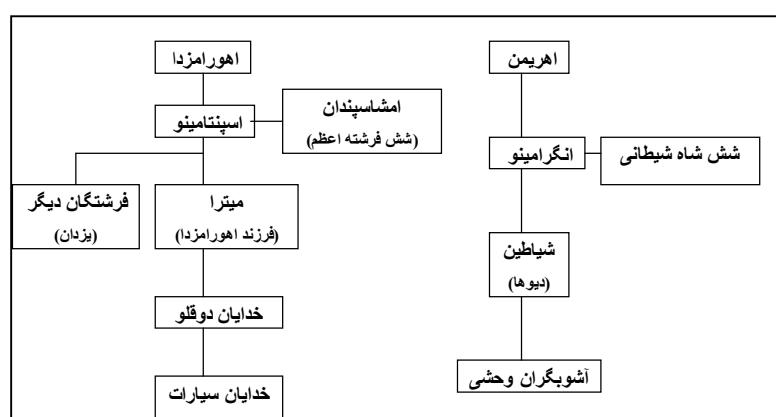
مزدا(مزده یسنا) در بین پارس ها اهمیت بسیار داشت ولی پادشاهان هخامنشی با تلفیق ادیان دیگر از جمله آئین میترا که در بین ماد ها رایج بود و یا اختناسی و باور های بابلی ها در جهت رضایت و همکاری تمام اقوام تحت فرمانروائی خود گام برداشتند. در زمان داریوش بزرگ بود که دین زردهشی هم ناگزیر از ملاحظاتی در باور های خود می شود. مفهوم دوگانه ی (ثنویت) خدایان اهورامزدا و اهریمن در دین مزدا مورد تجدید نظر قرار گرفت؛ مقام میترا در ساختار سلسله مراتب تقدس دین مزدا ارتقاء داده می شود.



شکل 1. نقشه دامنه سرزمین های تحت فرمانروائی امپراتوری هخامنشی و اقوام گوناگونی که در نقاط مختلف این سرزمین زندگی میکرده اند را نشان میدهد. علاوه بر پارس ها، مادها، پارت ها، بابلی ها، ارامنه، باختری ها، سغدی ها و دیگر اقوام می زیستند.

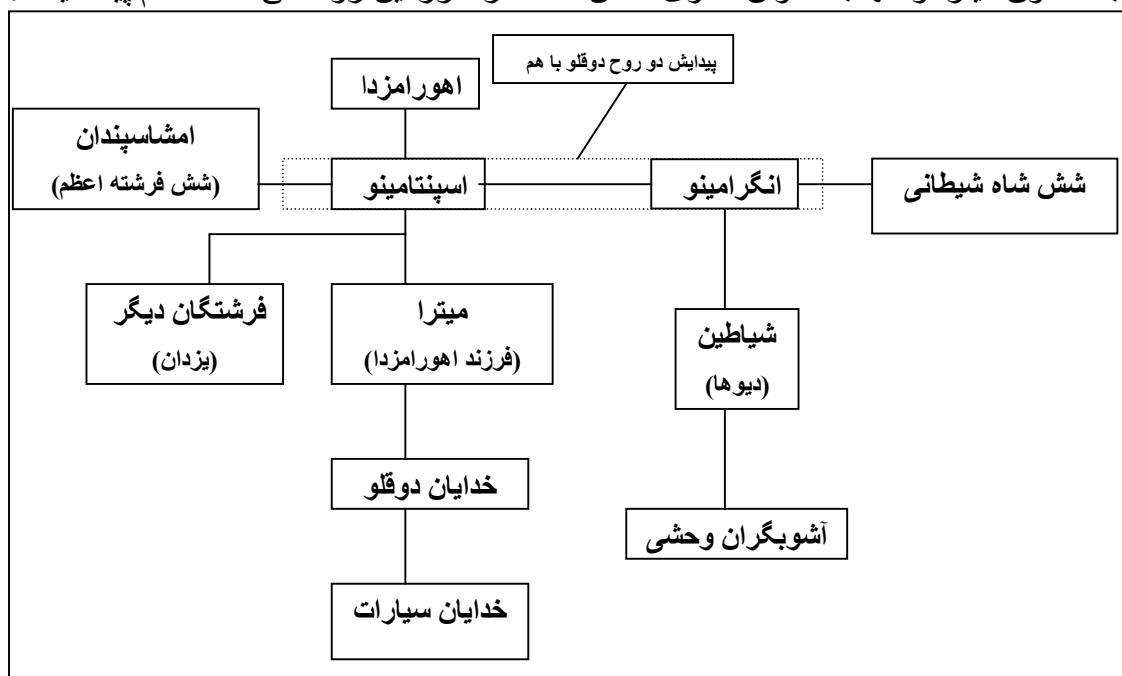
نمودار 1. دین مزدا در ترکیب نخستین آن

دین زردهست، هم شامل نسخه دین مزدائی نخستین که محصول خاور ایران بود می شود و هم آئین مزدائی آمیخته با میترا که در باختر ایران شکل گرفت. ما توجه خواننده را به نمودار های 1 و 2 که نشان دهنده تحولات



در دین مزدا پس از تاثیرپذیری از باورهای میترائی است جلب میکنیم. نمودار 1 نشان میدهد که دین مزدا در شکل نخستین آن معتقد به وجود دو خدا جدا از هم، متضاد و رقیب هم بوده است. خدای نیکی اهورا مزدا با خدای بدی اهریمن مبارزه و رقابت سرختنانه میکند. دوگانگی تا بینهایت ادامه دارد. پیروزی خدای نیکی با حذف خدای بدی هدف غائی مبارزه زندگی در جهان میشود.

در نوع تعديل شده مزدا که در نمودار 2 نشان داده شده است اهورامزدا در جایگاه خدای واحد (وحیدت) قرار میگیرد که توانائی خلق ارواح، امشاسپندان (به پی نوشته **نگاه کنید**) و فرشته گان خود را پیدا میکند. در این نسخه مزدائی انگرامینو که مخلوق خود اهورامزدا است در ابتدا در جوار و حامی اهورامزداست ولی بالاخره از مخالفین وی گردیده و با استخدام شیاطین طبیعت اهریمنی پیدا میکند. در این نوع مزدای پسین میترا فرزند اهورامزدا و بنابراین مخلوق اوست. در این مرحله میترا عنوان خدای جنگ را دارد. ولی با نفوذ بیش از پیش آئین میترا در نسخه های بعدی زردشتی میترا حقیقت بعد از اهورامزدا، به سلطان جهان ارتقاء یافته و اهورامزدا در جایگاه خدای در سایه و نامعلوم می نشیند. آنطوری که در دنباله به تفصیل شرح خواهیم داد زمانی که آئین میترای باختری و نوع خاوری آئین میترا به شکل منجسم خود در آمدند اهورامزدا به مخلوق میترا و تنها به عنوان الگوی انسان کامل در سرزمین روشنائی، افت مقام پیدا میکند.



نمودار 2. دین مزدا پس از تعديلات چندی

با هجوم اسکندر مقدونی به فلات ایران و شکست امپراتوری هخامنشی تاثیرات فرنگ یونانی (هلنیسمی) و اسطوره های رومی تحولاتی نوین در باورهای میترائی بوجود آورد. اسکندر با وجود این که نسبت به فرنگ های دیگر صعه سدر نشان داد ولی نسبت به دین مزدا و مفهومات مربوط به اهورامزدا نظر مساعدی ابراز نکرد. او حتی معابد بسیار زردوشیان را تخریب کرده و پیروان بیشمار این آئین را کشت.

بعد از انقراض سلسله هخامنشی پارت ها(اشکانیان)¹³ وارث حکمرانی بر پهناهی فلات ایران شدند؛ اشکانیان(یا رشکان) به مدت 476 سال در ایران حکمرانی کردند. با وجود این که بعد از حمله اسکندر مصر کاملاً از زیر نفوذ حکومت ایران بدر رفت هنوز دامنه پهناوری از فلات ایران تحت حکمرانی اشکانیان قرار داشت. نظام خاندان سالاری(فردالیسم) از مشخصات چشمگیر نوع حکومت در این دوره بوده است. پایتخت اشکانیان در اوایل حکومتشان به تیسفون و دجله منتقل شد ولی آنها در استان های دیگر ایران هم بساط حکمرانی بر پا کردند.

آئین میترا که به کیش رسمی دربار اشکانیان بدل شده بود در این دوره از شکوفائی بیشتری برخوردار شد. عناصر مزدائی آن که با ورود اسکندر مقدونی تضعیف یا مشمول حذف شده بودند مجدداً قوت بیشتری گرفتند. نام پادشاهان خاندان اشکانیان با الهام از آئین میترا برگزیده میشد. اشک ششم که میتره دات(مهرداد اول=هدیه میترا) و یا اشک نهم(مهرداد دوم) که به عنوان پادشاهان مقتدر و تحکیم کنندگان سلسله اشکانیان بشمار می آمدند از اعتقاد و وابستگی دینی دربار اشکانیان به آئین مهر(میترا) حکایت میکند.

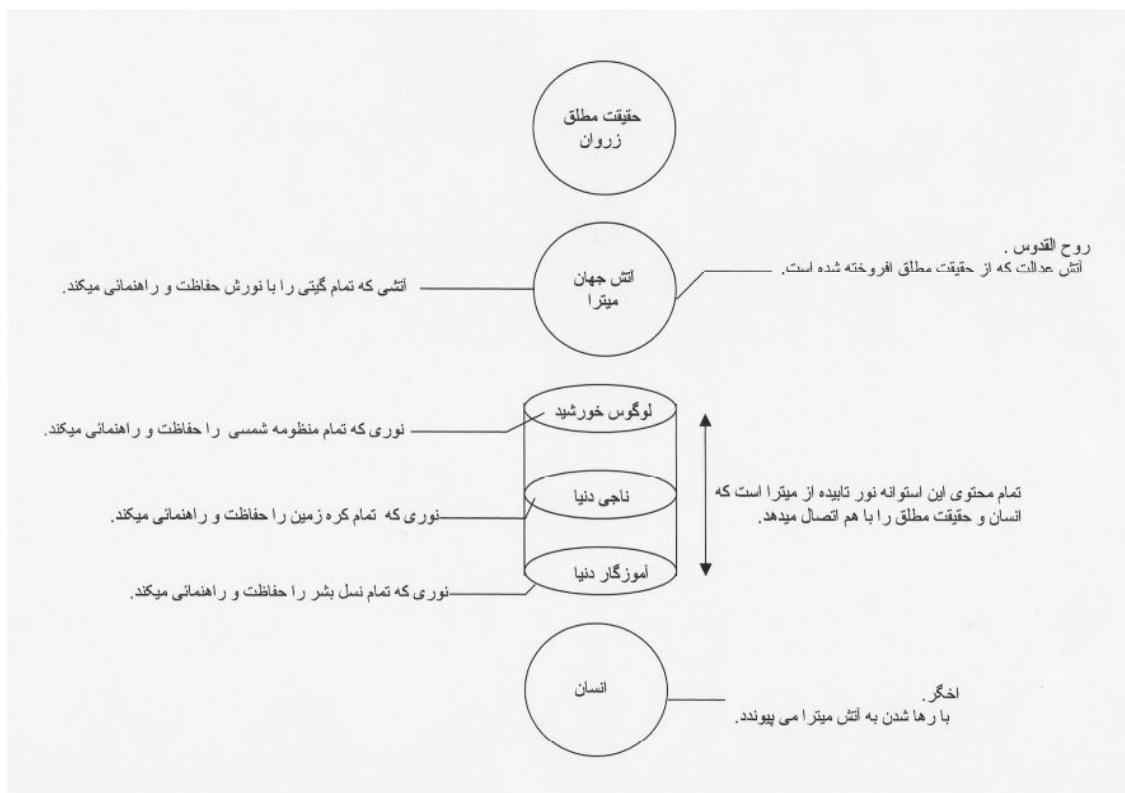
در زمان اشکانیان است که مخصوصاً مناطق باختری ایران در تحولات آئین میترا نقش اصلی را بازی کرده و موجب تولید سخن های باختری و خاوری آن میشوند. در نوع پارتی میترائیسم در راس مخروط سلسله مراتب الهی زروان خدای زمان بیکران قرار دارد(به الهیات زروانی معروف بود). اهورامزدا و اهریمن خدایان دوگانه حضور داشته و میترا در رده سوم اهمیت قرار میگیرد. خدایان روزهای هفته(به موضوع یزدان مهر در صفحه 17 نگاه کنید) در ارتباط با اختر شناسی حضور فعال دارند. حضور امشاسبندان در آئین میترا مخصوصاً در خطه خاور چشمگیر بوده است. در دنباله به شرح مفصل آئین مهر باختری و خاوری و تاثیرات اساسی که این آئین بر ادیان پسین خود گذاشت می پردازیم.

الهیات میترا در باختر و خاور 3

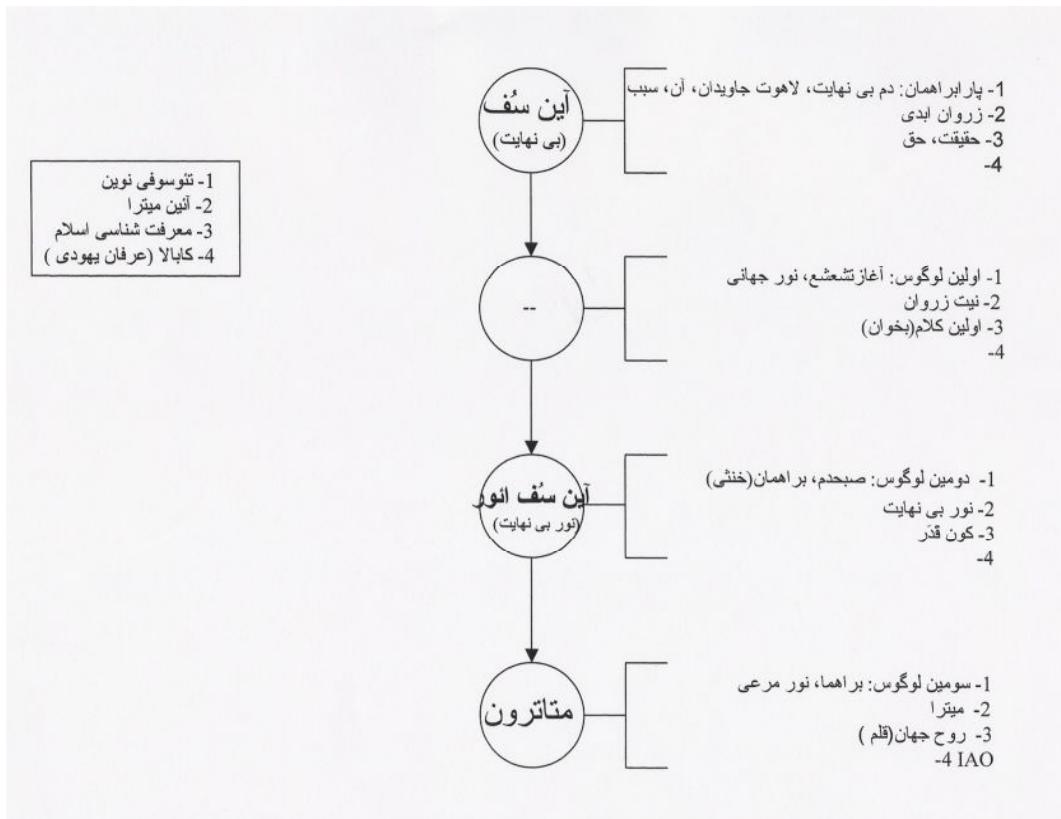
تکوین آئین میترا تلاشی بود در جهت وحدت دادن به خدایان بی شمار، و این نقطه آغاز ادیان توحیدی شد. این تلاش بین خدا و انسان میانجی یا واسطه قرار داد تا وحدت گرانی انسان را در جهت مشخصی بدون انحراف و تکثر طلبی(شک) در تعبیر معنای خدا راهبری کند. شکل 2 چارچوب کلی رابطه خدا، میانجی و انسان را در آئین میترائی نشان میدهد.

همانطور که از شکل مزبور استنبط می شود میترا نماینده تمام الاختیار حقیقت(زمان) مطلق (زروان) در تمام بهشت، آسمان و زمین است تا کل موجودات منجمله انسان را در آهنگ مشخص و کلیشه ای رقص کاینات شریک کند. میترا مستقیماً با ظهر بر روی زمین یا با فرمانرانی به دستیاران خود(ملائک یا ایزدان زیردست) امر حفاظت و راهنمائی هستی ها را انجام میدهد. بنابراین میترا موجودی هم آسمانی و هم ناسوتی(زمینی) است. هدف غائی انسان پیوستن به روشنائی میترا یا بهشتی شدن است. ما در دنباله به تدریج نظام ارتباطی میان حقیقت مطلق با میانجی و انسان را در آئین میترا و سپس گسترش آنرا در ادیان دیگر به تفصیل روشن خواهیم کرد.

¹³ Arsacid Parthia , 250BC~226AC



شکل 2- میانجی گری میترا بین حیثیت مطلق و انسان یا رابطه بین آتش، نور و اخگر.



شکل 3- روند انتقال نیت حقیقت نهان به سلطان جهان آشکار در ادیان مختلف.

شکل 3 جریان آشکار شدن نمایندگان خدایان بی نهایت در آئین میترا و به تبع آن در آئین های دیگر را نشان میدهد. با وجود اینکه آئین میترا از بقیه ادیان قدیمی تر و حکم پیش کسوتی را دارد در این شکل، کابالا(عرفان یهود) به عنوان مبداء مقایسه بین آئین ها برگزیده شده است. در راس هرم میترائیسم زروان خدای زمان بیکران(فارغ از محدودیت زمان و مکان- فضای نادوگانه) جایگاه دارد که با نیت خود سبب پیکریابی آتش فروزان نامر عی میترا می شود. میترا آغاز پیدایش دنیای آشکار است که خود با استخدام ایزدان و فرشته گان بسیار زنجیره اتصال با انسان را فراهم می کند. در آئین های دیگر از جمله اسلام، یهودیت و بودیسم(معرفت شناسی خاوری یا تئوسوفی نوین) جریانی مشابه البته با نام ها و اصطلاحات متفاوت دیده می شود. ما در دنباله به بحث در باره کل ساختار ظاهری و باطنی سلسله مراتب الهیات میترا و دیگر ادیان پرداخته و کوشش می کنیم نقاط مشترک و یا مشابه بین آنها را روشن کنیم. همانطور که در سطور پیشین هم اشاره شد آئین میترا تحت تاثیر فرهنگ های باستانی ایرانی، بابلی، یونانی و رمی الگوی اصلی خود را نهادینه کرده و در روند تاریخ در گوشه های مختلف دنیا گونه های بدیل آن مورد ستایش یا پرستش قرار گرفته است.

میترای باختری

آئین میترای باختری با الهام از پندار های دینی و اسطوره ای ایران، اسطوره های رمی، یونانی و اخترشناسی بابل¹⁴ شکل میگیرد. در بابل با کوشش فیلسوف معروف زنو (333-261BC) از میلاد) بجهت مطالعات فلسفی مرکزی در اشاعه مکتب فلسفی استوئی¹⁵ تاسیس شده بود که با تلفیق آموزه های فیلسفان پر آوازه یونانی(از جمله افلاتون، ارسسطو، فلوتون) به مدت هفتاد سال به فعالیت در زمینه فلسفه و تعبیر های روحانی اشتغال داشت. این مرکز با ایجاد باب گفتمان و فراگیری با اقوام ایرانی و غیره نظام اصلی آئین میترا را پایه ریزی میکند. از این مرکز فلسفی بود که میترائیسم به اروپا گسترش می یابد. تفصیل آئین میترا در "کتاب هرمس" نوشته پوسیدونیوس¹⁶ به تحریر در آمد. در کتاب هرمس چنین می آید:

خدای زمان بیکران زروان در ابتداء میترا را خلق میکند تا کیهان را ساخته و بر آن فروانروائی کند. میترا که نرینه است زندگان مادر(سیاره نپتون) را خلق میکند تا با همکاری او جهان را بسازند. ضمنا زروان از میترا میخواهد تا بین عالم جسمانی و روحانی دیواری نسب کند و کرونوس را مامور نگهبان و کلید دار مرز بین آنها نماید. فرمان دیگر زروان به میترا و مادر زندگان خلق اهورا مزدا¹⁷(رئوس در باختر) و اهریمن¹⁸(پلوتو در باختر) است. اهورا مزدا که برادر کوچکتر است مامور خلق و حفاظت از موجودات زنده روی زمین و سیارات آسمانی و اهریمن برادر بزرگتر مامور نظارت بر مردگان زیر زمین میشوند(شکل 4). اهورامزدا برای

¹⁴ در اخترشناسی بابلیان کره زمین ثابت و در مرکز منظومه خورشیدی قرار میگیرد. در عوض خورشید، ستارگان و سیارات به دور کره زمین گردش متناسب دارند. اخترشناسی باستان را geocentric astrology میگویند.

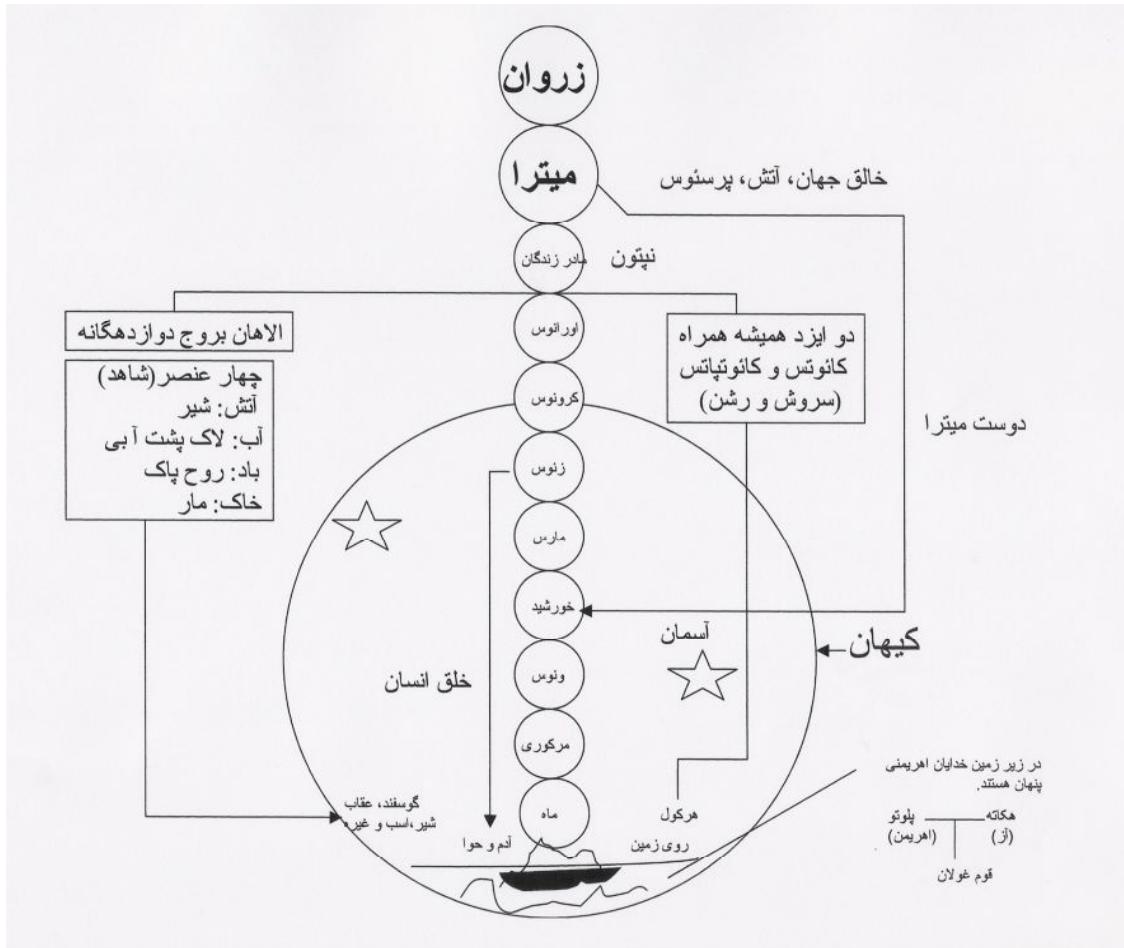
¹⁵ Babylonia Stoic School---رواقیون-

¹⁶ Posidonius(135-50BC), Corpus Hermeticum

¹⁷ Ahura=Mazdah

¹⁸ Ahriaman

انجام ماموریت همکار خود زنخدای زمین آرمیتی¹⁹ را خلق میکند و آدم و حوا نیز بوسیله اهورا مزدا آفریده میشوند. ولی اهریمن همسر خود عجوزه آز²⁰ را خلق میکند که با هم و بهمراه دیگر دستیاران شیطان خود به تخریب و نابسامانی روی زمین و در آسمان به پردازند.



شکل ۴- رابطه خدایان و کیهان در میترانیسم باختり

اهورا مزدا در صورتی که در ایجاد هم آهنگی و صلح بر روی زمین خود را ناتوان و عاجز بیابد از خدای زروان استمداد میطلبد تا میترا را جهت برقراری صلح و سعادت از آسمان به روی زمین نازل کند. در میترای باختり دو مسئولیت بر شانه میترا سنگینی میکند. میترا در وهله اول مسئول ساخت جهان مادی و تعیین خدایان فرمانروا بر آنها بوده، و مسئولیت دیگر ارسال پیک خدای بیکران زروان بر موجودات روی زمین است. او بوسیله انتقال روشنائی پر فروغ خود از طریق خدایان تحت فرمانش ادای وظیفه میکند. خدایانی که بر سیارات⁴ و منطقه البروج (زودیاک)⁵ فروانروائی خورشید (سُل) میکنند همانند دستگاه های مبدل روشنائی نا مرعی میترا عمل میکنند. فرمانروای خورشید (سُل) که به رفیق میترا معروف است در مرکز مجموعه خدایان قرار دارد. خورشید پیک صادق میترا نور نامرعی میترا را به روشنائی عینی و حرارت

¹⁹ Armaiti

²⁰ Az

تبیل میکند که حیات بخش تمام موجودات عالم و عامل بر قراری نظم متناوب چهار فصل بوده است. ضمناً خورشید است که پیام میترا را به امپراتوری رم میرساند و امپراتور هم با وضع قوانین مناسب پیام های میترا را تحقق بخشدید، سعادت تمام ملت رم را عملی میکند(از اینجاست که امپراتور به مانند سایه میترا در روی زمین به قدرت خدائی میرسد). مارکس آنورلیوس²¹ که خود فیلسوف هم بود به عنوان اولین امپراتور رم آئین میترا را دین رسمی کشورش اعلام میکند و در عملی کردن آموزش های میترائی سعی بسیار مبذول میدارد.

خورشید واسطه بین سرزمین نور و کره زمین، انرژی و قدرت خود را عادلانه به تمام موجودات روی زمین ارزانی می دارد. میترا، خورشید و امپراتوری زنجیره پیوسته هم آهنگی را میسازند. چون میترا عامل اصلی تمام هم آهنگی ها است و روزگاری در درگیری با خورشید بر او فائق می آید به خورشید شکست ناپذیر²² معروف میشود.

قابل توجه است که در نوشته های باختری، محتوى متون و اسمى نمادین اسطوره ها و پندارهای ایرانی مشمول تغییراتی متناسب با مفهومات فلسفی و ملاحظات سیاسی اجتماعات باختری میشوند. در صفحات آتی زمانی که به نوع خاوری آئین میترا پرداختیم قسمتی از این تفاوت ها آشکار می شوند.

اجالتن برای نمونه نام های خدایان مترادف را در فرهنگ های مختلف در جدول 1 نشان میدهیم. بالاخره اهریمن و همسرش با اختشاش، آشوب و تخریب و ایجاد وضع نابسامان و ناعادلانه روی زمین روزگار را بر جانداران طاقت فرسا میکند و نهایتاً اهورا مزدا نزول میترا را از خدای زروان طلب میکند. زروان با ایجاد رعد و برق صخره درون غاری را می شکافد و میترا از درون آن در بیست و یکم دسامبر(اول دی روز بعد از شب یلدا) متولد میشود. میترا با خنجر و کلاه نورانی مشعشع خود به مراد الاهان و رفقایش عزم به مصاف با اهریمن(ظلم و ظلمت) میکند. جنگ میان تاریکی و روشنائی شدت میگیرد. اهریمن هم از مبارزه دست بر نمیدارد و باعث جریان سیل بر روی زمین میشود که میترا با فراهم آوردن کشتنی به نوح فرمان میدهد که جانداران را سوار بر کشتنی کند و از این طریق آنها را از خطر سیل نجات می دهد.

یکی از کارهای معروف میترای باختری ذبح گاو مقدس(تصویر 1) است که پس از ظهر بر روی زمین انجام میدهد. میترا به همراه ایزد خورشید سُل گاو مزبور را از قصر ایزد ماه(آرتمیس) می رباید و در غاری با خنجر خود آنرا ذبح کرده، خونش را می ریزد. در تتدیس های مجلس گاو کشی میترا همیشه کائوتس²³ (با مشعل سربالا) و کائو پاتس²⁴(با مشعل سر پائین) او را همراهی میکند. از جاری شدن خون گاو سبزی و شکوفائی، حیات و سعادت به روی زمین باز میگردد⁶. میترا در نزول خود بر روی زمین پس از باز گرداندن عدالت، و شرکت در آخرین ضیافت با سُل و خدایان بروج دوازده گانه جسم خود را در غاری که متولد شده بود بجای میگذارد و روحش به سرزمین نور معراج میکند. میترا در آخرین جنگ با اهریمن که به آرمگون معروف است باز به روی زمین نزول خواهد کرد تا تمام جهان کهنه را نابود کند. او در این سفر تنها رفقای هم پیمان خود را از دروازه خورشید به سرزمین نور میبرد.

²¹ Marcus=Aurelius

²² Sol Invictus Mithras

²³ Cautes - سروش در میترای خاوری-

²⁴ Caotpates - رشن در میترای خاوری-

با فرمان زروان جهان جدیدی خلق میشود و به این ترتیب روند تناب کهنه و نو تا بی نهایت ادامه می‌یابد. اصولاً میترا دارای سه هدف یا نقش است. یکی جنگ با اهریمن، راهنمائی و آموزش مستقیم و غیرمستقیم انسان و بالاخره نجات و انتقال انسان به سرزمین نور.

جدول ۱- اسامی خدایان در میترانیسم اقوام گوناگون.

نام سیاره	بابلی	پارسی	یونانی	رمی
زحل	نیروتا	زروان	کرونوس	ساتورن
اورانوس	انو	اسپی هور	اورانوس	اورانوس
نپتون	آآ	مادر زندگانی	پوسیدون	نپتون
مشتری	مردوک	اهورا مزدا	زئوس	ژوپیتر
		زنخدا آرمیتی	همسر هرا	همسر یونو
نرگار		اهریمن	پلوتو	هادس
		آز همسر	هکاته همسر	همسر پرسه پونه
مریخ	نرگار	شور	آرس	مارس
خورشید	شمش	هوار(میترا)	آپولون	سل
عطارد	نپو	چیستی	هرمس	مرکوری
زهره	اشتار	آناهیتا	افرودیت	ونوس
ماه	سین	ماه	آرتمیس	دایانا
		هائوما	دیونیوسوس	باکاس
		اورسراگنا	هرکول	

بنابراین هدف پیروان آئین مهری پرورش و افزایش رفقای میترا می‌باشد، و اینهم طی مناسک دشوار مذهبی که فقط به شرکت و تعمید مردان اختصاص داشت عملی میشد. شرکت در این مناسک و افزایش آگاهی به رموز مهری طی مراحل منظم قابل حصول بود.

جدول ۲- مقامات در میترانیسم باختصار در تناظر با سیارات.

مقام	لاتین(یونانی)	انگلیسی	نام سیاره	شماره بندی
کلاع	Corax	Raven	ساتورن	3
همسر (پا داماد)	Cryphius	Occult	ژوپیتر	4
سرباز	Miles	Soldier	مارس	5
شیر	Leo	Lion	سل	6
پارسی	Perseus	Persian	ونوس	7
پیک خدا	Heliodromus	Runner of the sun	مرکوری	8
پیر	Pater	Father	ماه	9



تصویر 1. نقش برجسته میترا که در معبد میتراس زیر زمین شهر لندن حفاری شده و اکنون در موزه این شهر نگهداری میشود. میترا با کلاه فریجی در حال بریدن رگ گردن گاو مقدس است. میترا سر و صورت خود را از ناحیه زخم گاو برگردانده است؛ این صحنه حمل بر اکراه خود میترا از این عمل شده است. کاتوتس با شعل سربالا در سمت راست و کانوپاتس با مشعل رو به پانین در سمت چپ میترا دیده میشوند. آن دو از دستیاران میترا و همیشه با او همراهند. یک عقرب که از جانوران اهریمنی بشمار می آید به خایه گاو چنگ میزند تا منی گاو را به بعد؛ منی نشانه زایش است و معمولاً به بهشت باز میگردد. یک سگ هم در صدد نوشیدن خون گاو است؛ سگ از حیوانات مقدس بوده که با نوشیدن خون گاو به قدرت و حیات خود میافزاید. در برخی از تندیس ها مار و کلاغ هم که از حیوانات مقدس بشمار می آمدند دیده میشود. در اطراف نقش برجسته میترا مرز بین جهان خاکی و عالم روحانی(سرزمین نور) دیده میشود که با نقوش اشکال بروج دوازده گانه (زودیاک) مشخص شده است.

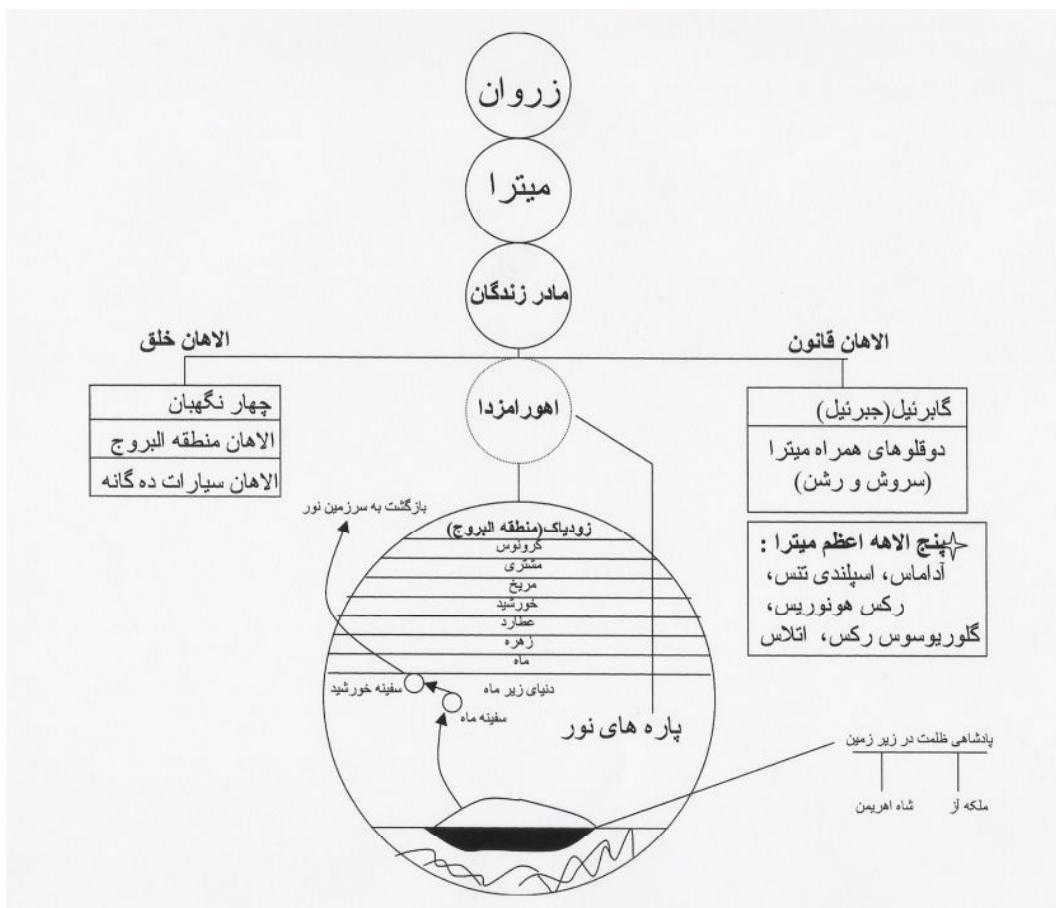
جدول 2 مقام های مریدان متشرف به آئین میترا را نشان میدهد. سالکان میترا همگی رفقای میترایند؛ کلاغ نازل ترین و پیر والی ترین مقام است. هر مقام متناظر با یک سیاره بود.

میترای خاوری

میترای خاوری ملقمه یا تلفیقی از اسطوره های زندگانی ایران(به پی نوشت [1] نگاه کنید)، کیش زردهشتی (مزدا پرستی)، دین یهود(خصوصا عرفان کابالا) و بودیسم می باشد. از طرفی نفوذ آئین مهری در ادیان بزرگ پسین و بودیسم قابل تأمل است. در توصیف میترای خاوری از

شاپورگان²⁵، کفالایا²⁶ (سِفُرُ الْاسْفَارِ؟ = مادر کتاب‌ها) تالیفات مانی اعظم و برخی نوشته‌های مانی به زبان چینی استفاده شده است.

در نوع باورهای خاوری، زروان(که به خدای چهارپر هم معروف است) در ابتداء میترا و مادر زندگان(به ملکه زروان هم معروف است) را خلق میکند و به میترا فرمان میدهد تا دوقلوهای دیگری(علت این فرمان مشخص نیست) را بیافریند. میترا اول اهریمن را با دوازده بال و سپس اهورامزدا را با شش بال می‌آفریند. اهریمن دوازده بال، خود را تواناتر از همه می‌بیند و ادعای خدای برتری میکند. او در مقابل زروان سر به طغیان می‌گذارد. زروان از غرور بی‌حد اهریمن عصبانی شده و او را از سرزمین نور اخراج و به دوزخ پرتاب میکند. اهریمن منبعد خوی اهریمنی(شیطانی) یافته و با تشکیل یک گروه از شش شیاطین و به همراه همسرش آز(طعم) به تخریب و اغتشاش در آسمان و روی زمین مبادرت می‌ورزد.



شکل ۵- رابطه خدایان و کیهان در میترانیسم خاوری.

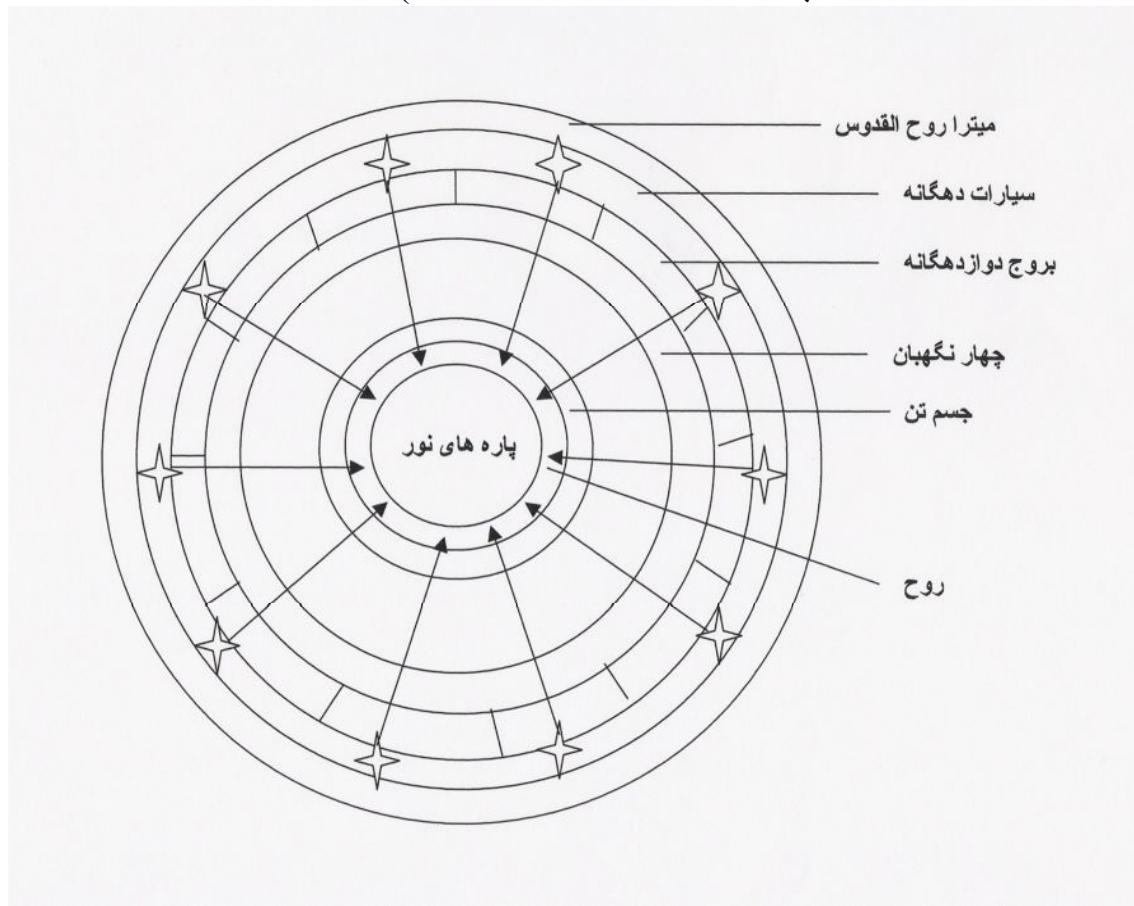
اهریمن قطب مقابل روشنائی، نماد ظلمت و ظلم میشود. او در آسمان با اهورامزدا گلاویز شده و

²⁵ Shabuhragan

²⁶ Kephalaia

گوی نورانی او را متلاشی میکند. پاره های نور²⁷(فراوشی- فروهر) اهورامزدا که روح²⁸ انسان هستند در لفافه تاریکی اهریمن پوشیده شده و از اصل هم گوهر خود فاصله میگیرند. رفتار مخرب اهریمن باعث میشود تا زروان فرمان ساختن جهان و نجات پاره های نور را به میترا صادر کند.

شکل 5 ساختار سلسله مراتب مخلوقات آئین مهری خاوری را نشان میدهد. میترا برای نجات پاره های نور و پیوستن آنها به اصل خود در ملکوت، جهان را خلق و بر آن فرمانروائی میکند. همانطور که از شکل 5 هم روشن است میترا دو سپاه بزرگ از الاهان خود را خلق میکند. یک گروه را مسئول نظارت بر کیهان عینی و جسمانی(قوای سازندگی و خلق) میکند و آنها شامل سپاه دوازده گانه بروج(منطقه البروج²⁹ را فرمانروائی میکنند)، ده سیاره و چهار الاهه نگهبان (که مسئول نظارت بر تغییرات چهار عنصر آب، خاک، آتش و باد) هستند.



شکل 6- رابطه لایه های ساختار کیهان با روح(که در خود پاره های نور را حفظ می کند).

سپاه دیگر به گروه الاهان قانون(قوای قضائیه) معروفند. در این گروه با معاونت گابرئیل (جبرئیل)، سروش و رشن(فرشتگان مشعل بدست همراه میترا) و پنج فرشته دیگر که در روز

²⁷ particles of lights

²⁸ spirit

²⁹ Zodiac

قيامت مسئوليت دادرسي بر اعمال مردم را بعده دارند شامل هستند. گروه الاهان قانون الهام دهنده عدل، عدالت، برابری و نظم ميتراي در روی زمين هستند.
ساختار كيهان از هفت لايه (شكل 6) تشکيل شده است که هر لايه آن داراي روح(راز عرفاني) برگرفته از ميترا می باشد.
سالكان آئين مهر در رابطه با ارتقای شعور خود(جذب نور ميترا) در مقام های گوناگون رده بندی ميشوند(جدول 3).

جدول 3- هفت ميدان گيتي و مقامات روحاني بين پيروان ميتراي خاورى.

نام لايه عرفاني	ويژگي لايه	مقام متناظر
ميدان خدائی(ديوساني)	روح جهان	امير
ميدان موناد	اخگر مقدس	شيخ
ميدان آتمان(نيروانا)	خدای درون	مرشد، پير
ميدان الهام(بودي)	وجد، بيداري	آموزگار
ميدان آگونی(منتال)	خردمدانه	انسان
ميدان آسترال	احساسی، درياقتی	حيوان، گیاه
ميدان جسماني(اتري)	مادي گرائي، تن	جسم

انسان با الهام(جذب نور) از لايه های روحانی(نوراني) كيهان پاره های نور منزوی خود را که در لفافه اهريمي تن محبوس است رهائی داده و عروج به عالم روشنائی را در آسمان آغاز ميکند.

پاره های نور در روی زمين که در لفاله ظلماني اهريمين محبوس هستند از سه سخ می باشند. آن عده اي که قبل از تولد و تجربه زندگاني بر روی زمين به عالم روشنائي می پيوندند. گروه دوم آنهائي هستند که خود داراي بنيء و قدرت رهائی از محبس شرایط اهريمي³⁰ را دارند، خودشان بدون طلب ياري از فرشتگان ميترا با گذشتني از لايه های آسماني به سرزمين نور معراج ميکند و به ديدار ميترا نايل ميشوند. گروه سوم آنهائي هستند که پس از مرگ در روز رستاخيز (قيامت) بوسيله قضات ميترا ارزياپي شده، در صورتی که تعداد پندار های نيك، گفتار و كردار های نيك آنها بيشتر باشد به بهشت راه می يابند. کسانی که مجاز به ورود به بهشت نیستند با گذر از پل جينوات³¹(پل صراط) به جهنم سقوط ميکند، که بعد از مدتی تنبие مجددا فرصت زندگاني و اصلاح اشکالات خود بر روی زمين را می يابند. اين دادرسي را داوری کوچک ميگويند.

پاره های نور برای رهائی و پيوستان به اصل خود که تکامل آنها به شمار می آيد باید در تجربيات زندگاني روی زمين از روش های توصيه شده استفاده بکنند. از جمله اين روش ها

³⁰ آنچه که به شرایط اهريمي اطلاق ميشوند عبارتند از جنگ، کشمکش، بيمارهای همه گير، دزدي، آدم کشي، کلاهبرداري و کلاشى، اختلاس و آتش آفروزى و غيره.

³¹ chinvat bridge

تفکر و اندیشمندی در رموز آفرینش، نماد سازی³²(ماندارا در هندو) از تدبیر الاهان و میترا، ذکر، مراقبه و سرود خوانی و نیایش و ستایش میترا، و اخترشناسی و طالع بینی می باشند.

جدول 4- آنچه را که سیارات و الاهان متناظر می آموزند.

سیاره	روح(الاهم) متناظر	ویژگی عرفانی سیارات(طالع یا هوروسکوپ)
(ستاره) خورشید	پاره نور	خورشید محل تلاقی اراده میترا و انسان است. خورشید سمبل خود و یا "رفیق میترا" است. هویت یابی با خورشید مرد را به مقام آپلون و زن را به فراز زندای بخت(Fortuna Victrix)(دختر مادر زندگان) ارتقای میدهد.
ماه	زنخدا دایانا	محل پرورش نور سیارات دیگر است. در زندگی روزانه با جنب نور سیارات دیگر، آنها را بازتاب میدهد.
عطارد	هرمس با هوش	زیان، ریاضیات و طرز استفاده از زمان را می آموزد.
زهره	زنخدا آناهیتا	زیبائی بهشتی و آرمان خواهی را می آموزد.
مریخ	ایمانوئل سورانگیز	شهامت و جنبش ارزانی میکند.
مشتری	عیسی فروزنده	توانایی به انجام کارهای نیک را توصیه می کند.
کرونوس	کرونوس	راه جستجوی آنچه که در زندگی ابدی است را نشان میدهد.
اورانوس	اهورا مزدا	خود برتری که پاره های نور(خود انسان) را راهنمایی میکند تا به نماد خورشید گونه خود دست بیابند.
نیپتون	زنخدا سوفیا(مادر زندگان)	مخلوط روشنایی و تاریکی، اصل پیچیدگی، راه برون رفت را نشان میدهد.
سیاره پلوتو	بینش روحانی میترا	نماد توانایی های بالقوه و آنچه که در انسان نهفته و خاموش گذاشته شده است.
سر اژدها	سروش	آنچه که لازم الاجراء است را گوشزد میکند.
دم اژدها	رشن	از آنچه که باید حذر کرد را می آموزد.

با روش های مذبور و همچنین از راه هویت یابی با سیارات و الهام گرفتن از آنها، پیشه کردن ویژگی های الاهان میترا و بالاخره استمداد از خود میترا، انسان پاره های نور خود را که هم گوهر با اهورا مزدا هستند به وصال با او گشایش می دهند. جدول 4 بعد عرفانی سیارات یا ویژگی ایزدان فرمانروا بر آنها را نشان می دهد.

میترا تا زمانی که خود بر روی زمین ظاهر نشده است در لباس آموزگاران(پیامبران) خود انسان را در راه توفیق به برگشت به سرزمین نور راهنمایی و یاری میکند. میترا که ناجی جهان است در آئین های گوناگون به نام های مختلف نامیده میشود: (کریست³³[دین مسیحی]، مایتریا³⁴[بودیسم و می روکو در بودای ژاپنی]، المهدی[اسلام]، سوارکار اسب سفید³⁵، براهما³⁶

³² Iconography

³³ Christ

³⁴ Maitreya

³⁵ White Knight

[هندو]. آئین میترا تا بحال پیامبرانی از جمله زرتشت(در دین زرتشتی یا مزدای ایرانی)، عیسی مسیح(فلسطین)، بودا (هند)، مانی(بابل، آسیای مرکزی، چین)، کوکای(ژاپن) و بسیاری دیگرپرورش داده است.

و بالاخره زمانی که پیامبران هم از مبارزه با اهریمن عاجز شدند و نابسامانی جهان گیر شد میترا خود نزول میکند و بهمراه الاهان و تمام دستیارانش به موجودیت دنیا پایان میدهد. میترا تنها رفای خود را به سرزمین نور همسفر میکند. گابرئیل(جبرئیل معاونت میترا) مسئول راهنمائی پاره های نور به سیاره ماہ و از آنجا به خورشید است که با سفینه های مخصوص عملی میشود. در سرزمین نور است که سرنوشت همگی با داوری بزرگ معلوم میشود. باز قضاوت قاضیان میترا و جهنم و بهشت سرنوشت ساز مطرح میشود.

زردشت اولین پیامبر بود و آئین مزدا بر پایه آموزش‌های زردشت اولین دینی که مفهومات توحید، نبوت، معاد(بهشت و جهنم)، جنگ آخر یا آرمگدون(بین اهورامزدا و اهریمن)، رستاخیز(احیای مردگان)، نیایش و سرودهای ستایشی (نماز) را در جامعه هم عصر خود اشاعه داد.

7 بیزان مهر

بیزان مهر³⁷ دین اقوام کرد بوده و هست. این دین که ریشه در باورهای نخستین آئین میترائی دارد در قرن هفتم میلادی پس از غلبه اسلام به سرزمین های ایران تحت حکمرانی خاندان ساسانیان انجسام و رسمیت میگیرد. دین یزیدی(بیزانی) با قدمت تاریخی بیش از چهار هزار سال پس از گذار از فراز و نشیب های فرهنگی بسیار در خطه امپراتوری های ایران از راه سازگاری و تلفیق با مفهومات اسلامی به شکل نوین خود که بیزان مهر باشد ظهر میکند.

بیزان مهر به نام های دیگری از جمله یارسانیسم³⁸، دین یاری³⁹ و میر اسلام⁴⁰ هم مشهور است. فرقه های متعلق به این دین شامل فرقه طاووسیان(بیزیدی ها)، اهل حقی ها، دوروزی ها⁴¹، علوی بکتاشی ها⁴² و اسماعیلیان⁴³ می باشد.

کردها به میترا لقب بیزان داده بودند و او را خدای برتر و اعلای خود میدانستند. میترا آغاز و انجام هر مناسبتی بود. میترا تنها خدای صلح و مهر در آسمان ها بود. در اسطوره ها آمده است که میترا یک مروارید از گوهر پر مهر خود میسازد و این مروارید را در پشت مرغ تک بالی که بعدا خلق میکند قرار میدهد. این مرغ آنفار⁴⁴ نام دارد. پس از گذشت چهار هزار سال میترا بوسیله مروارید روی پشت این مرغ زمین و آسمان را خلق می کند. پیروان آئین مذبور بر این باور بودند که میترا با خلق هفت فرشته اعظم و یا فرشته گان هفت روز موفق به آفرینش گیتی و موجودات روی کره زمین شده است.

³⁶ Brahma

³⁷ Yazdanmehr

³⁸ Yarsanism

³⁹ Den-e Yari

⁴⁰ Mir Islam

⁴¹ Druze

⁴² Alewi-Bektashi

⁴³ Isma'iliyya

⁴⁴ Anfar

در روز اول که یکشنبه بوده است میترا عزارل را که به ملکه طاووس⁴⁵ نیز مشهور است خلق میکند. عزارل در متون قدیمی این همانی با آریامن، اهریمن یا ابلیس داشته است. ولی برخلاف طبع شیطانی و مخرب که به این خدایان نسبت می دهد عزارل دوست و دستیار اول میترا معرفی شده است. عزارل چون بیش از ده هزار چشم داشته است بمانند طاووس نمایش داشته است. در روز دوشنبه میترا فرشته داردائیل، سه شنبه اصرافیل، چهارشنبه شمنائیل، پنجشنبه عزرائیل، جمعه جبرئیل و شنبه نورائیل را خلق میکند. در نهایت میترا عزارل ملکه طاووس را به سر دسته یا مدیر بقیه فرشته گان منسوب میکند. به فرشته گان هفت روز هفت سیر، هفت راز نیز میگفتند. هفتن اصطلاح دیگریست که به این آئین نسبت داده اند. این هفت فرشته یا هفت موج نورانی رفقای میترا بشمار می آیند و در حقیقت با میترا واحد یکتائی را شکل میدهند.

در جدول ۵ شرح هفت فرشته و ویژگی روحانی آنها به اختصار در آمده است.

جدول ۵- اسامی فرشته گان میترا و ویژگی روحانی آنها

نام فرشته	ویژگی فرشته گان	ندای روحانی	ندای روحانی	روز تولد	سیاره
عزارل(Azazel)	ملکه طاووس- نماد اراده مستقل، تصمیم قاطع	من خدا هستم	الاحق	یکشنبه	خورشید
داردائیل(Darda'il)	ملکه دانش و هنر، مسئول پایان دادن به دوگانگی اضداد	بغیر از خدا خدائی نیست	لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ	دوشنبه	ماه
اصرافیل(Israfil)	ملکه آتش و شمشیر خدا، سلطان خلق و رستاخیز	خدا بزرگ است	الله أكْبَر	سه شنبه	مریخ
شمنائیل(Shemna'il)	ملکه شناس، ملکه خنجر و ترور	سعادت نصیب بشود	سبحانی	چهارشنبه	عطارد
عزرائیل(Azra'il)	ملکه تدرستی و طول عمر، ملکه آوارگی و مرگ	من زیبا هستم	انا جمال	پنجشنبه	مشتری
جبرئیل(Jibril)	ملکه انسانیت، ملکه وحی و خرد	خدا رفیق(مهر) است	الله میر	جمعه	زهره
نورائیل(Nura'il)	سپر خدا و سپر اخلاق، ملکه عدالت و برابری	چه کسی دشمن	من المودیل	شنبه	کرونوس

در اسطوره ها، میترا بعد از خلق هفت فرشته، هفت آسمان، زمین و خورشید و ماه را خلق میکند. با ندای میترا مروارید به چهار قطعه(آب، آتش، خاک و باد) تقسیم میشود که از میان آنها آب فوران میزند و دریاها ظاهر میشوند. با فریاد میترا قسمتی از دریاها بی آب و سفت شده و از آنجا خشکی ظاهر میشود. چهار قطعه مروارید همگی تحت نظارت و مدیریت فرشته جبرئیل

⁴⁵ پژوهشگران معتقدند که نام طاووس در بیزان مهر یادگار خدای باستان ایرانیان سیمرغ است.

قرار میگیرند. و بالاخره میترا از مخلوط این چهار عنصر گلی میسازد که از آن نسل انسان خلق میشود. اولین نسل انسان آدم متعارف با اهورامزدا است که میترا او را الگوی انسان کامل انگاشته و بعنوان پادشاه مقدس بهشت منسوب میکند. تمام فرشته گان بجز عازل با تصمیم میترا موافقت میکنند. تمرد عازل باعث خشم میترا میشود. میترا عازل را از خود میراند و به دنیای تاریکی ها و ظلمات میسپارد. از این به بعد تا زمان طولانی بین میترا و عازل کشمکش و دشمنی ادامه می یابد. ولی سرانجام میترا و عازل با هم آشتنی میکنند و دوستی بین آنها ابدی میشود. با آغاز عصر طاووس میترا فرمانروائی آنرا به عازل محول میکند.

هفت فرشته در آئین یزدان مهر متراffد با همان هفت سیاره در شاخه های باختری و خاوری میترائیسم(جدول ۵)، هفت عقل اسلامی(به پاراگراف دین اسلام نگاه کنید) و هفت صفیر در کابala(به پاراگراف کابala- عرفان یهودیت نگاه کنید) می باشد. هفت فرشته پیکر یابی هفت موج نور میترا خدای خورشیدند که از طریق هفت سیاره به کره زمین منعکس میگردند.

ملکه طاووس یا عازل(ستاره خورشید) در بین هفت فرشته نماد آزادی اراده، استقلال ذهن و تصمیم گیری قاطع و امر بشمار می آید. با الهام از آموزش های وحیانه هفت فرشته عموما و عازل خصوصا انسان به ارتقاء شعور خود می پردازد. ضمنا تمرد از آموزش ها خشم و تنبیه عازل را به همراه خواهد داشت.

درجه انجسام و عمق وفاداری مردم به آموزش های فرشته گان طبقه بندی شد که حاصل آن نظام سلسله مراتبه ای مقامات روحانیت در این شاخه از آئین میترا است. جدول ۶ مراتب روحانی را در فرقه طاویسان نشان میدهد. مرتبه کوچک نازلترين و مير، والى ترين مرتبه در اين آئين است.

جدول 6- مراتب در شاخه طاویسان میترائیسم

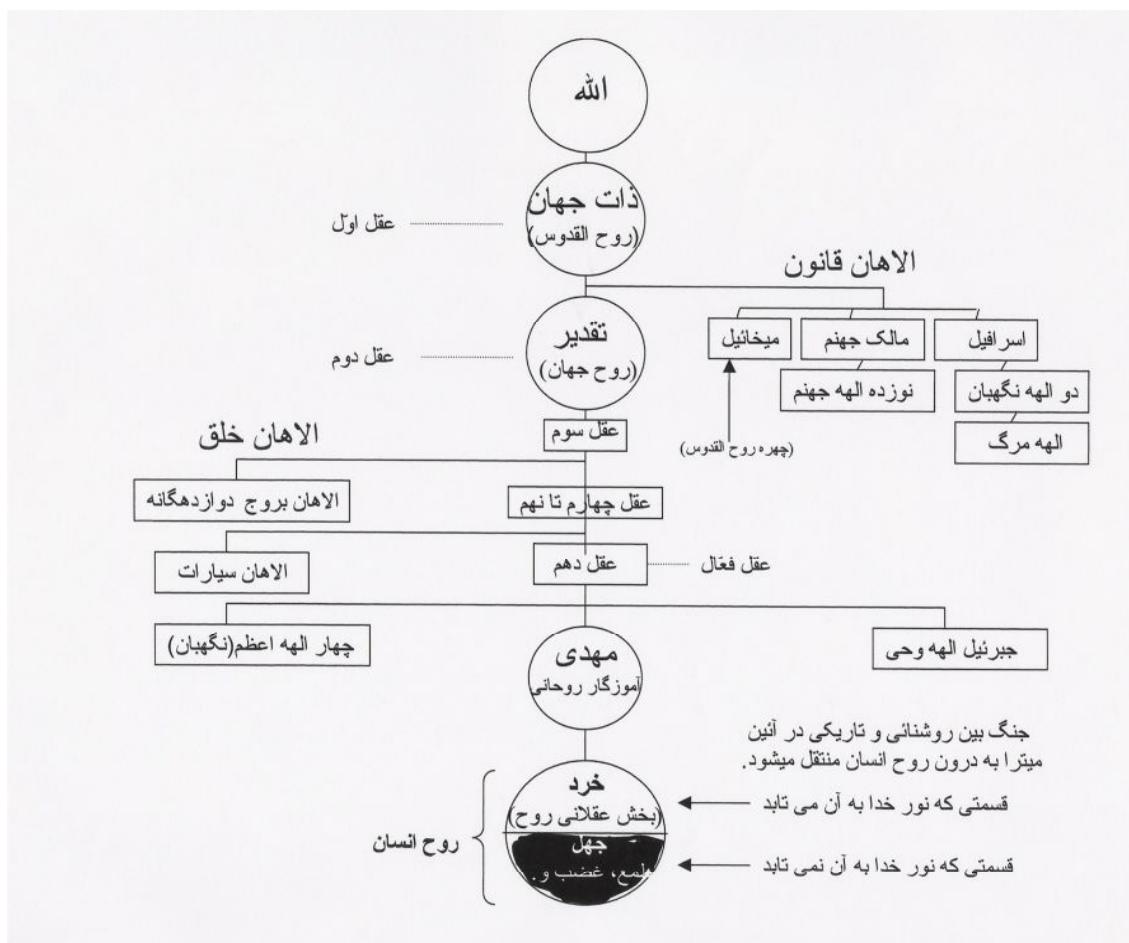
مرتبه(کردنی)	ویژگی- مسئولیت
مير	بالاترين مقام روحاني- مرجع تقليد
باباشيخ	سرپرست جماعت روحاني
شيخ	ارشاد گر جمع
پير	دستیار شیخ- مربی و راهنمای
فقیر	شرکت در ریاضت کشی
قوال(qewwal)	
کوچک	نوآموز تازه وارد

معرفت شناسی خاوری- دین اسلام

در وصف سلسله مراتب ساختار درگاه الهی و معرفت شناسی در اسلام نویسنده از منابع بی شماری نقل کرده است. کتاب مقدس قرآن، آثار نظامی، امام محمد غزالی(1058-1111 میلادی)، شهاب الدین سهروردی(632-539 م..ق)، محی الدین ابن عربی (560-638 م..ق)، ابوعلی سینا(1037-980 میلادی)، عزیز الدین نسّفی (وفات 700 هـ. ق) جلال الدین مولوی بلخی(672-602 هـ. ق)،

عطّار (540-618 م.ق) و غیره از جمله آن منابع هستند. شکل 7 سلسله مراتب دستگاه خدای را در الهیات اسلامی نشان میدهد. الله در رأس هرم بمانند خدای همه توانا، همه دانا، همه آگاه و مقدتر قرار دارد که بمنزله واضح احکام برای تمام مناسبات آسمانی و زمینی است. الله با یک اشاره "کُن" (باش) نیت خود را به روح القدس منتقل میکند. روح القدس بمنزله عقل اول و مجری اوامر الله است. روح القدس که محور جهان است به قطب موسوم بوده و اختیارتام در امر اجراء نیات الله را دارد. روح القدس برابر با میترا عمل میکند و دستیاران خود را که به دو دسته الهان قانون و خلق تقسیم میشوند طی آفرینش ده عقل به سمت های اجرائی میگمارد. الهان قانون شامل میخانیل، مالک مدیر جهنم، فرشتگان مرگ و غیره میباشدند.

عقل دوم که تقدیر هم مینامند به روح جهان معروف است. روح جهان عبارت از نقشه یا دستوالعمل تعیین شده برای برقراری نظم و هم آهنگی در جهان است. این نقشه به "سنگ نوشته در



شكل 7- رابطه بین الله، عقل های دهگانه و انسان در اسلام.

بهشت⁴⁶ معروف است. ضمنا آنچه که بر روی زمین روی میدهد نیز در این لوح فراگیر یادداشت میشود. جبرئیل حاصل عقل دهم، گوشه ای از این نوشته را به پیامبر حضرت محمد

⁴⁶ مترادف با Akashic Record در باخترا.

وحی کرده است. ظاهرا آدم در آسمان بر حسب همین نقشه است که به عنوان اولین انسان از روی الگوی روح القدس خلق شده است. آدم اولین انسان کاملی در بهشت است که مترادف با اهورا مزدا در آئین میترا می باشد.

از عقل سوم تا عقل دهم مریوط به الاهان خلق جهان خاکی است. عقل سوم منطقه البروج را رهبری میکند؛ تابش روح نورانی ستارگان دوازده گانه بر عناصر چهارگانه باد، آب، آتش و خاک باعث پیدایش عناصر مواد کانی، گیاهان و حیوانات میشود. عقل چهارم تا عقل نهم اشاره به ستارگان ثابتی است که با تابش نور روحانی خود به عناصر چهار گانه انسان را از آن عناصر خلق میکنند(در حقیقت روح انسان پیکرمند میشود).

عقل دهم که برابر با ماه است به عنوان عقل فعال یاد میشود که نشان از اهمیت آن دارد. از عقل دهم است که جبرئیل فرشته وحی متولد میشود. جبرئیل حافظ تمام جانداران با درایت و عاقل است. از عقل دهم است که فرستادگان دیگر روح القدس از جمله امامان(آغاز مفهوم امامت در اسلام) بر روی زمین ظاهر میشوند.

روح القدس بعد از پیامبر به جهت راهنمائی بشر آموزگاران روحانی که هم گوهر و انعکاس دهنده نور خود او هستند را روانه کره زمین کرده است. تعداد آنها محدود است و آخرین آنها نیز در اوان جوانی غایب میشود. او که به مهدی یا صاحب الزمان معروف است در مرز بین زمین و آسمان ساکن و به غیبت خود ادامه میدهد. او به انتظار روزی است تا با ظهر خود بر نابسامانی های طاقت فرسای روی زمین که ظلامتی و ظالمانه اند پایان به بخشد.

باور براین است که دونوع قرآن موجود است. یکی قرآنی که از طرف جبرئیل به حضرت محمد نازل شد و به قرآن آشکار معروف است و میتواند برای فراگیری در دسترس همه آحاد بشر قرار گیرد. دیگری قرآنی است نهان، که فقط مهدی غایب از آن واقف است و این قرآن شامل تمام کلام(نیت) الله است که از طریق نور روح القدس به او منتقل شده است. مهدی بعنوان هادی و رهنما به انسان کامل تشبیه میشود و تا زمانی که پیکر انسانی نگرفته در آسمان در غالب نور روحانی باقی میماند(آغاز مفهوم مهدویت در اسلام).

اصولاً پیدایش انسان در اسلام از زبان مولوی و نسخه به این ترتیب است که انسان در پیشگاه الله به مانند ذرات نورانی هستند که به امر او از روح القدس منتشر میشوند؛ این ذرات نور خود حاوی نفس (اراده) الله میباشند. این نور اولیه تحت تاثیر تقدیر(روح جهان) و منبعد با اثرپذیری از عقل های دیگر و همینطور ابلیس با پیکر یابی در روی زمین شمايل انسان را پیدا میکند. چون در مسیر پیدایش انسان ها حتی تحت تاثیر ابلیس(اهریمن) هم قرار میگیرند دارای شعور، خلق و خوی گوناگون میشوند. به عبارت دیگری همانطور که در شکل قید شده است انسان در روی زمین روحی است که در غبار ناخالصی پوشیده شده است. به گویشی دیگر، انسان از بخشی نورانی(روشن از نور الهی یا عقلانی) و بخش تاریک(جهل، طمع و غصب و غیره) تشکیل شده است. مهدی مشتاق رهانی بخش نورانی و یا بخش هم گوهر با خود در انسان میباشد. امامان عموماً و مهدی خصوصاً چون از شرارت ابلیسی مبرا هستند ارج و قرب ملکوتی خود را حفظ میکنند.

هدف غائی انسان در روی زمین ورود به سایه مهدی، دیدار با او و از راهنمائی های او مستفیض شدن است. از راه عبادت، شکر گذاری و استمداد از ساحت او و غیره است که کسی

بتواند به پیشگاه مهدی تشرف پیدا کرده و پیام های الله را از زبان او دریافت نماید. چنین شخصی را در اسلام ولی⁴⁷، یا روحانی میگویند. کلام الله که از طریق روح القدس در پیش مهدی حفاظت میشود در "عدل" خلاصه میشود. برقراری عدل و عدالت در روی زمین بوسیله دینمردان اراده، تنفس، خواسته و کلام الله است.

انسان در نهایت خلوص، یعنی زمانی که در محو ناخالصی های روحی خود(که به حجاب یا پرده مصطلح است) توفیق حاصل کرد در احوال شایسته دیدار با مهدی نایل می آید. چنین حالتی را در ادبیات صوفیان "فنا"⁴⁸ می نامند. فنا فرای خود رفتن، هستی در نیستی خود است.

راه رسیدن به احوال فنا یکی فراگیری عمیق معرفت اسلامی و دیگری ذکر و عبادت(پذیرش عبودیت) حقیقت جاویدان است. تجربه احوال روحانی در سوفیگری و یا عرفان ایرانی اسلامی از مراحل گشاشی میگذرد که هر مرحله ای نیاز به کوشش و ریاضت بسیار دارد. شخص روحانی در روند عبادت و تجربه احوال به "مقام" های گوناگون دسترسی می یابند(جدول 6). هر مقامی پس از توفیق به مقام قبلی قابل حصول است. هر مقامی نشانه تثبیت حال عرفانی در عارف است.

جدول 6- مقامات و معنای آنها در عرفان ایرانی- اسلامی

توضیح	مقام
پشیمانی از زندگی خود. احساس گناه کردن،	1- توبه
اگاهی بر قدرت نظراتی الله، دوری از ستمگری و ادای مسئولیت اسلامی	2- ورع
دوری از جمع و دنیا،	3- دوری و عزلت
به کمترین امکانات ساختن و مذمت دنیای گذرا را کردن،	4- فقر و زهد
مبازه با حسادت، دشمنی، غصب، جهل و غرور درونی،	5- جهاد
واگذاری دربست خود به خدا،	6- توکل
رضاء به آنچه که خدا مقدّر میکند، در اختیار خدا قرار گرفتن.	7- رضاء

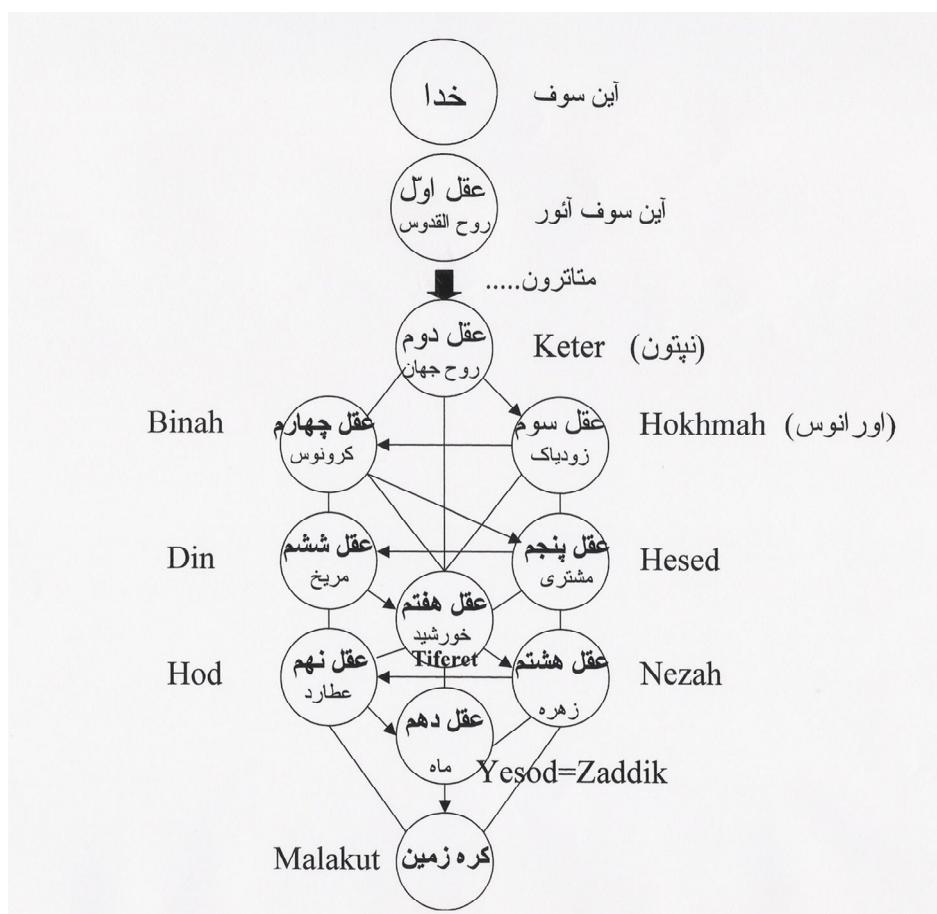
لازم به توضیح است که جنبش و یا رویکرد سوفیگری جستجوی حقیقت از راه کوشش و ریاضت فردی بدون کمک و یاری از واسطه، روشی جدا از آداب دینی رسمی و کلیشه ای بوده است. ایجاد رابطه مستقیم و درونی انسان با خدای خود در حیطه سوفی امری ممکن میشود. درمیان عارفان کشف خدای درون اساس شناخت خدای کاینات بشمار می آید. در صورت بکاربرد روش ها و ابزار صحیح هر شخصی میتواند به محضر معبد خود شرفیاب بشود. آخرین جنگ بین نور و تاریکی، خوبی و بدی که با حضور مهدی انجام خواهد گرفت و مسلمان با پیروزی خوب بر بد، روشنائی بر تاریکی پایان خواهد گرفت، رستاخیز و دادرسی بر اعمال آدمیان و صدور حکم جهنم و بهشت و گذار از پل صراط مفهوماتی است که در اسلام به صراحت قید شده است و ما قبلاً به آنها اشاره کردیم و در اینجا از توضیح مجدد آنها پرهیز میکنیم. بخوبی میتوان استبطاط کرد که علاوه بر اسکلت ظاهری سلسله مراتب(هبوط) درگاه الهی

⁴⁷ Wali

مفهومات توحید، نبوت، معاد(جهنم، بهشت، پل صراط و جنگ آخر) و دعا و نیایش(نماز) در اسلام همگی ریشه در باورهای ایرانیان پیشین دارد.

کابala⁴⁸ عرفان یهودیت

منابع موثق در زمینه کابالا یهودیت برای اولین بار در قرن دوازده میلادی در جنوب فرانسه در منطقه ای که پیروان فرق کاتاری و آریگن میترائی بسیار بودند یافت شده است. شخصی به نام اسحاق لوریا⁴⁹ که به آری⁵⁰ نیز معروف بوده است برای اولین بار در تجربه عرفانی خود به نور الهی منور میشود. روایت شده است که کابالا ی نامبرده بازگشت پیامبر مانی را تداعی کرده است. اسحاق مدعاً میشود که نظم از هم پاشیده جهان با نزول مشیا(ناجی جهان) سامان میگیرد.



شکل 8- درخت زندگانی کابala. ترتیب عقل های اسلامی با صفاتی های کابala مقایسه شده است.

مفهوم مشیا در عرفان کابالا مخصوصا در قرن هیزدهم میلادی پیشرفت چشمگیر میکند. در

⁴⁸ کابالا یا قبالت(در متون اسلامی) به معنی سنت، پذیرفتن است.-- Kabbalah

⁴⁹ Isaac Luria, 1534_1572

⁵⁰ Ari

کتاب تورات به نام های بسیاری که عنوان مشیا «عادلی که اساس جهان است» را به خود اختصاص داده اند اشاره شده است. ایلیا⁵¹ و بسیاری دیگر که به عنوان افراد صدیق⁵² و عادل هستند؛ نقش آنها بسیار با توصیفات مهدی در اسلام شباخت دارد.

عرفان کابالا⁵³ متاثر از آئین میترائی و مشتقات آن، اخترشناصی بابلیان، فرهنگ هلنیسمی (یونانی) و همچنین دین اسلام تغییر و تحول می یابد. در عرفان مشیائی یا کابالای یهودیت "درخت زندگانی" وجود دارد که شباخت فراوانی با ترکیب سلسله مراتب فرشتگان دین اسلام دارد.

همانطور که از شکل 8 هم مشهود است (در این شکل بجهت مقایسه مخصوصاً عقل ها جایگزین شده است) فرشتگان دهگانه در اسلام که به عقل های دهگانه تعبیر میشوند در "درخت زندگانی" با نام صفیر⁵⁴ جلوس میکنند.

در اسلام اگر چه بین فرشتگان یک رابطه عمودی از سوی بالا به پائین وجود داشت در کابالا رابطه بین صفیرها چند بعدی است. صفیرها در یک شبکه ای با روابط متقابل قرار میگیرند. هر صفیری از یک طرف نور را دریافت میکند و پس از اشباع از طرفی نور خود را به صفیر بعدی می بخشد. به این ترتیب نور خدائی به سمت پائین انتقال داده میشود. صفیر های ستون طرف راست خاصیت نرینگی (قضايا تگر) و صفیر های ستون طرف چپ ویژگی مادینگی (تفاهم، زیبائی) دارند. ستون صفیر های میانه عامل تعادل و هم آهنگ کننده هستند. در راس "درخت زندگی" خدای واحد "آین سوف"⁵⁵ که غیر قابل شناخت است قرار داشته، روح القدس "آین سوف آنور" است که به عنوان عقل اوّل در پیکر متأثرون (میتران) فروانروائی جهان را بدوش میکشد. عقل دوم یا روح جهان به تاج الهی (کتر) مشهور است و باعث پیدایش عقل سوم (هوکما یا پدر) و یا تخم پیدایش عقل های بعدی میشود. صفیر "بینا" رل مادر را دارد. هر صفیری نام و خاصیت مشخصی در پروسه رساندن نور الهی به روی زمین دارند. خورشید⁵⁶ مرکز و کانون تابش انوار صفیر های دیگر است. در نهایت خورشید است که وحدت دهنده قدرت، زیبائی و شکوه و انتقال آنها به اساس روی زمین که شخص عادل و صدیق است می باشد. آفرینش با انتشار نور الهی از بالا به سوی زمین انجام میگیرد.

در این مسیر نزولی است که از شدت نور به مرور کم میشود. به عبارتی از خلوص نور کم شده و به ناخالصی و یا خصلت اهریمنی آن افزوده میشود. انسان با افزایش شعور خود در مسیر این درخت به روشنایی خود میافزاید. میگویند تجربه عرفانی درخت کابالا از 32 مسیر در جهت ارتقاء به نور الهی وجود دارد.

جدول 7 مقایسه ای بین عقل های اسلامی و صفیرها در درخت کابالا و سیارات متناظر با آنها را بدست میدهد.

⁵¹ Elijah, 9th BC

⁵² Zaddik

⁵³ میتوان از منابع بسیار اصلی کابالا یکی Sefer Yezivah (کتاب آفرینش) در سال 1892 و Zohar (کتاب شکوه) در سال 1949 نام برد.

⁵⁴ Sefirot

⁵⁵ Ayn Sof. در زبان عبری به معنای بیکران است.

⁵⁶ Tiferet

جدول 7- تناظر صفیرها در "رخت زندگانی" کابلا با عقل های اسلامی، سیارات و فرشته گان در آئین بزدان مهر

فرشتگان اسلامی	سیارات متناظر	صفیرهای کابلا	ویژگی	بزدان مهر
عقل دوم	نپتون	Keter	تاج الهی	
عقل سوم	منطقه البروج، اورانوس	Hokhmah	خرد، تخم	
عقل چهارم	کرونوس	Binah	تفاهم	نورائیل
عقل پنجم	مشتری	Hesed	مرحمة، مهربانی	عزرائیل
عقل ششم	مریخ	Din(Gevula)	عدالت، مبارزه	اصرافیل
عقل هفتم	خورشید	Tiferet	قدرت، زیبائی، شکوه	عزال
عقل هشتم	زهره	Nezah	ابدیت	جبرئیل
عقل نهم	عطارد	Hod	شکوه	شمنائیل
عقل دهم	ماه	Yesod	اساس	داردادیل

آئین میترا و بودیسم

تاریخ آئین بودائی به حدود پانصد سال قبل از میلاد بر میگردد. در آئین بودائی تجربه حقیقت مطلق، اشراق و یا ساتوری(واژه ژاپنی) برای هر کسی قابل تحقق است. رسیدن به حقیقت مطلق، بودا(به ژاپنی "نیو رای") شدن است. انسان ها دارای گوهر بودائی هستند؛ گوهر بودائی در هر انسانی برابر با پاره های نور اهورا مزداست. بودا به معنای اشراق، هوشیاری و آگاهی ابدی است. بنابراین در فلسفه یا روش بودائی واقعیتی به نام خدا با مفهومی(خالق کائنات و واقعیتی متأفیزیک) که تا حال در آئین های گوناگون به شرح آنها پرداختیم وجود ندارد. انسان با گوهر فرارونده خود در صورت ریاضت و پرهیز از آرزوها و طمع و ظواهر دنیوی(فائق شدن بر مصائب) میتواند به فراز بودا ارتقاء یابد. از جهت نظری در تاریخ تعداد زیادی از انسان ها بوده اند که به مرتبه بودا رسیده اند. اولین بودا دیپانکارا⁵⁷ و هشتمین بودا گوتمه⁵⁸ بوداست. بودا شدن اصولا ارتقای شعور به ورای خود است. در آموزش های این مکتب انسان طی زندگی در سیکل های متوالی حیات و مرگ(تناسخ)(در سانسکریت "جاتاکا"⁵⁹) است که شعور خود را ارتقاء میدهد. نمودار 3 ده سطح ارتقاء شعور انسان را از نازلترين سطح "مردم جهنمي" تا به مرحله عالي "بودائي" نشان ميدهد.

قبل از ارتقاء به مقام بودا شخص باید از مرحله بودی ساتوا(به ژاپنی "بوساتسو") گذر کند.

⁵⁷ Dipankara

⁵⁸ Siddhartha Gautam

⁵⁹ Jatakas

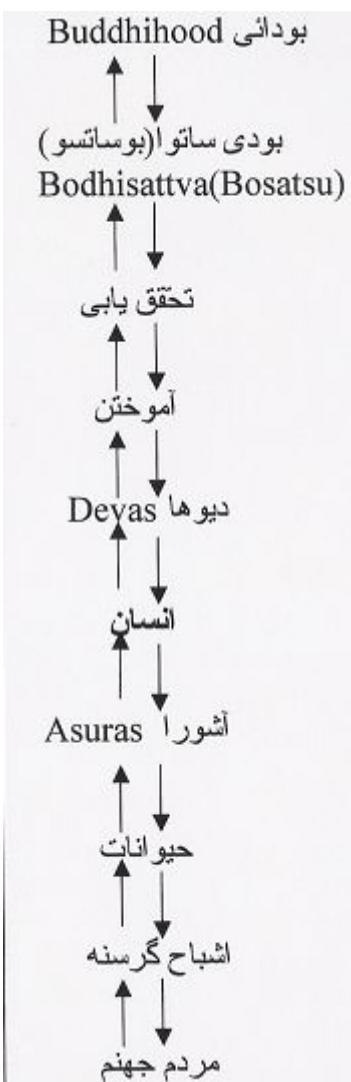
بودی ساتوا(بوداسف) به معنای رافت، شفقت است. شخص روشنگر به هدف کمک و پاری مردم(حق پابی) برای فائق آمدن بر مصائب ارتقای خود را به مقام بودا عقب میاندازد. به عبارتی بودی ساتوا میتواند هر آن در مقام بودا قرار گیرد. مفهوم بودی ساتوا برای اولین بار در بین پیروان بودای

مهایانا(سفینه بزرگتر= مهراه) رواج می یابد. از اواسط قرن دوم تا قرن اول قبل از میلاد پیروان آئین بودائی به دو بخش **مهایانا⁶⁰**(مهراه) که در چین، کره و ژاپن ترویج می یابد، و **شاخه هینایانی⁶¹**(سفینه کوچکتر= کهراه) که در تایلند، سیلان، ویتنام و می اما(برمه سابق) رواج پیدا کردند تقسیم شدند. پیروان شاخه هینایانی بودا رهائی از مصائب و ارتقای شعور را در حوزه فردی و مخصوص قشر مغ های بودائی میدانند. در مقابل شاخه مهایانا با تاکید بر رهائی تمام انسان ها خصلت اجتماعی بودائی را اشاعه میدهند. با وجود اینکه هر دو شاخه در ژاپن پیروان بی شماری دارد پیروان شاخه **مهایانا** اکثریت دارد.

ترویج بودای مهایانا در ژاپن مخصوصا به پیدایش دین **جودو⁶²**(سرزمین خلوص) می انجامد. در این شاخه از بودیسم، بودای(نبورای) **آمیتابا⁶³** یا **آمیتایوس⁶⁴** مورد ستایش قرار میگیرد.

محققان بر این باورند که این دین توسط شاگردان مانی به جرگه آئین های بودائی پیوسته است. **آمیتابا** که معنای زمان بی کران را دارد درست تداعی گر خدای زروان در آئین میترا می باشد.

شاخه سوم آئین بودائی که در تبت شکل میگیرد بودای **واجرایانا⁶⁵**(سفینه الماس= الماس راه) است و توسط گوکای از چین به ژاپن آورده و منجر به پیدایش فرقه های دینی تحت عنوان ادیان باطن گرا(می گیو⁶⁶) میشود. در این نوع ادیان



نمودار 3 . سیر تکامل شعور در آئین بودائی

امتیاز بودا شدن از انحصار کاهنان خارج شده و مردم عادی هم حتی بموازات زندگانی روزانه با کمک از آموزش های کاهنان شایسته در راه بودا شدن توفیق حاصل میکنند.

⁶⁰ Mahayana Buddhism= greater vehicle

⁶¹ Hinayana Buddhism= lesser vehicle

⁶² Joudokyo

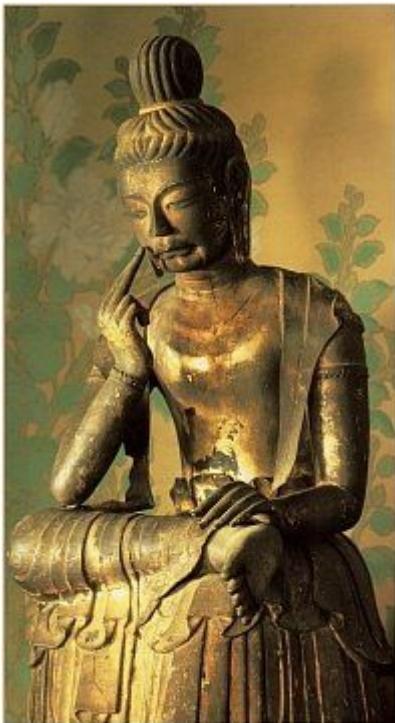
⁶³ Amitabha

⁶⁴ Amitayus

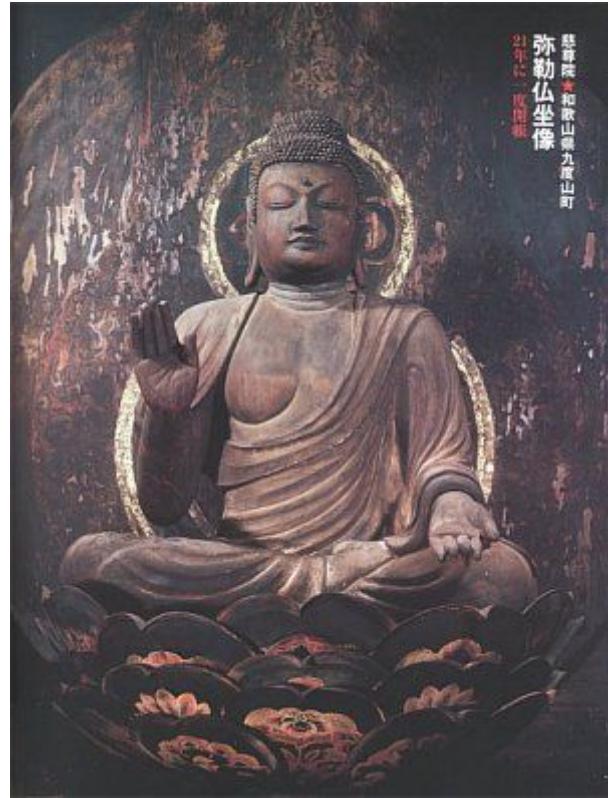
⁶⁵ Vajrayana= diamond vehicle

⁶⁶ Mikkyo (Vairocana)

در دین شین گون⁶⁷ که با کوشش دینمرد گوکای در حدود قرن هفتم میلادی در ژاپن رواج پیدا میکند می روکو⁶⁸(نام میترا به ژاپنی) به عنوان بودای آینده(تصویر 2) مورد پرستش قرار میگیرد. گوته بودا(بودای تاریخی) پس از رحلت به صراحت در کتاب جاتاکا(داستان تولد بودا) از نهمین بودا یعنی مایتريا⁶⁹(میترا) بودای آینده سخن میراند. روایت است که مایتريا یا می روکو بعد از 5 بیلیون و ششصد و هفتاد میلیون سال در آینده جلوس میکند. در بررسی های باستان شناسانه توسط تیم های روسی، اوکراینی و ازبکی آشکار شده است که باز این آئین هم بوسیله شاگردان مانی ترویج داده شده است. می روکو در عین حال در مقام بودی ساتوا(تصویر 3) هم هست؛ هم در عرش و هم در روی زمین به امر حفاظت، آموزش و راهنمائی مردم در تفوق بر مصائب مشغول میشود.



تصویر 3- می روکو در مقام بودی ساتوا.



تصویر 2- می روکو نیورای(میترا در مقام بودا).

زیر نشیمن نیورای گل های نیلوفر آبی بمانند زیر نشیمن گوته بوداست

در مسیر اوج گیری شعور انسان(نمودار 3)، پس از آشوراها(برابر با اهریمن)، دیواها(فرشتہ گان) هستند که به خدایان نگهبان و حافظ بودی ساتوا ها و بودا ها معروفند. روایت است که این خدایان از دین هندوها به آئین بودا روآورده اند. یکی از این خدایان که مشمول گروه هفت خدایان بخت(شی چی فوکوجین) ژاپنی است بن زای تن⁷⁰(بن تن سان) میباشد. نام سانسکریت آن

⁶⁷ Shingon

⁶⁸ Miroku

⁶⁹ Maitreyanatha

⁷⁰ Benzaiten

ساراسواتی⁷¹، در آئین هندو است که این همانی با آناهیتا (فرشته پاسدار آب در آئین زردهشت) ایرانی دارد. ظاهرا این خدا در نواختن بی وای ژاپنی(آلت موسیقی زهی) تبحر داشته و بیشتر در نزدیکی جریان آب مانند رودخانه، دریا و برکه منزل داشته است. معابد زیادی در سراسر ژاپن اختصاص به عبادت و ستایش این خدا دارد.

ژاپنی ها پس از ورود آئین بودیسم به این کشور در صدد تلفیق و سازگار نمودن خدایان بومی خود با باورهای این آئین برآمدند. از جمله خدای زراعت و یا برنج که به ایناری⁷² معروف بود با آناهیتا (بن زای تن) به خدای تلفیقی اوگا بن زای تن⁷³ تغییر صورت داد.

آناهیتا حتی در فرهنگ ایران باستان قبل از شکل گیری آئین زردهشت ایزد بارندگی، رویش و زایندگی بوده است. بدون دریغ باران خود را بجهت تسهیل زندگی گیاهان و حیوانات و انسان در سرتاسر جهان جاری میکرده است، که الهام بخش دوستی و روح ایثار در جامعه هم عصر بشمار می آمده است.

بد نیست یادآوری کنیم که بُن فرهنگ ژاپن که آئین شین تو⁷⁴ نامیده میشود از 300 سال پ.م تا قبل از نفوذ بودیسم در این کشور بر شالوده ای از باورهای محض چند خدائی(لفظن هشت میلیون خدا) که عموما از طبیعت الهام میگرفته است استوار بوده است. مهمترین خدای آنها زنخدای اعظم آماتراس⁷⁵ یا زنخدای منور خورشید بوده است که پژوهشگران بسیار تبار این زنخدا را به فرهنگ ایران باستان مربوط میدانند.

تئوسوفی نوین

تئوسوفی واژه ایست که در مقابل تئولژی(الهیات) مصطلح شده است. در تئوسوفی بعد فلسفی شناخت مقدسات(خدائی) تاکید میشود. بر خلاف بسیاری از تئولژی ها که ایمان کورکورانه و یا حداقل بحث دین را در چارچوب پیش شرط های جزئی اشاعه میدهند، تئوسوفی ارتقای شعور روحانی را موكول به کارآئی اصل خودزای انسان میداند که از گوهر خدائی بهره دارد. یکی از پیش کسوتان و ابداعگران این اندیشه دینی مدام بلاواتسکی(1831-1891) اوکراینی است. مadam بلاواتسکی اولین انجمن تئوسوفی آمریکا را در سال 1875 میلادی در نیویورک بنیان میگذارد. اهداف این انجمن مطالعه عمیق و وسیع تمام ادیان و اندیشه های مقدس، اسطوره ها و اخترشناسی دنیا و تلفیق آنها در یک نظریه همه فراگیر روحانی که ضمنا مجهز به جنبه های علمی و فلسفی باشد بود. آرم این انجمن(تصویر 2) نشانه تلاش بنیان گزاران آن در ایجاد مکتبی فراگیر میباشد.

در حالی که مدام بلاواتسکی بیشتر مصروف پایه گذاری و انجسام بخشی به نظریه های نخستین تئوسوفی بود شاگردان و دیگر هم مسلکان وی به تنظیم برنامه های عملی و گشاش این مکتب پرداختند.

⁷¹ Saraswati

⁷² Inari

⁷³ Uga-Benzaiten

شین تو در زبان ژاپنی به معنای راه خداست. -

⁷⁵ Amaterasu-ookami

جدول 8 پیش کسوتان مکتب تتوسوفی نوین و معرفی تعدادی از کتاب های آنها

تیتر کتاب	نام نویسنده
1. The Secret Doctrine(1881,1931) 2. The Key to Theosophy(1972) 3. Practical Occultism(1948) 4. The Voice of the Silence 5. Isis Unveiled	Helena Petrovna Blavatsky (1831-1891)
1.The Seven Great Secrets of Cosmos 2. Community	Nikolaj Rorich(1874-1947)
1. Leaves of Morya's Garden Vol I (Call) Vol II (Illumination)	Elena Rorich
1. Maitreya's Mission 2. Messages from Maitreya the Christ 3. The Reappearance of the Christ and the Masters of Wisdom	Benjamin Crème(1922)



تصویر 2 - آرم انجمن تتوسوفی نوین. حروف در راس این آرم که بزبان سانسکریت نگاشته شده است "آم" (AUM) تلفظ می شود. زمزمه سحرآمیز یا طنین حقیقت مطلق "مانтра" است. علامت زیر این حروف سوواستیکا(Swastika) نامیده میشود و نماد عشق یا انرژی خلاقیت است. در زیر این علامت مار اسطوره ای اوروبوروس(Ouroboros) است که به شکل هلال ماه چنبره زده است. شکل هلالی حکایت از اسلام میکند و خود این مار که با خوردن دم خود به زندگی ابدی ادامه میدهد نشان از جاویدان بودن زندگانی و تناوب بی پایان آن دارد. در درون چنبره مار دو مثلث با راس متضاد که به ستاره شش پر تشابه دارد(Hexagram) دیده میشود. این ستاره نماد هفت اصل یا هفت سیاره فرشته صفت است که هفتمین آن خورشید در مرکز هکزاگرام قرار دارد. هفت صفیر در کابلا، هفت الهه در آئین میترا یا هفت امشاسبندان دین زردشت. علامت در مرکز هکزاگرام که آنخ(Ankh) میگویند نماد زندگی، موناد یا انسان کامل می باشد. در اطراف این آرم ضمناً جمله "هیج مذهبی غیر از حقیقت وجود ندارد" درج شده بوده است.

ما در دنباله با بهره گیری از مطالعه کتاب های فعالیت این مکتب(جدول 8) به تشریح مختصر نظریه نوین تتوسوفی و روش شناسی مرسوم آن می پردازیم. بلاواتسکی در کتاب "حکمت اسرارآمیز" به تشریح شش اصل بنیانی مقدس میپردازد که در

خرد ادیان باستان مشترکند. اولین اصل، اذعان به یک حقیقت مطلق یا ازلی، ابدی و بینهایت است که اندیشه قاصر به درک و زبان الکن به توصیف آن است. این حقیقت در آئین میرائی به زروان، در کابالا به آین سوف، در اسلام به الله و در باور هندو به پارا براهما و در دین ترسائی به پدر آسمانی و غیره بیان میشود.

این حقیقت مطلق آغاز پیدایش زمان و مکان، کیهان و انسان است. اصل دوم قانون ویا نظم تناوب است که در جهان فانی در سه عرصه هستی های جسمانی، زیستی و روانی بطور جهانشمول یافت میشود. تناوب در چرخه شب و روز، زندگی و مرگ، خواب و بیداری و غیره از آن جمله اند. هم عالم خاکی و هم جانداران مشمول تناوب پیدایش و اضمحلال هستند. انسان با تناسخ(تناوب حیات و مرگ) است که به تکامل شعور خود می پردازد.

انسان دارای اصالت کریست مانند(کریستوز)⁷⁶ می باشد که با بهره گیری از آن قابلیت ارتقای دهنگی شعور خود به فراز آموزگاران در گیتی و ناجیان کیهان(میترا- کریست) در عرش را تحقق می بخشد. در تئوسوفی نوین اصولاً بلاواتسکی تلاش انسان ها را در عرصه های گوناگون زندگی به هدف ارتقای روحانی نسبت به دعا و استمداد از خدایان افالک و طلب ظهور آنها در روی زمین را مهمتر، واقعی تر و اندیشمندانه تر میداند. ارتقای شعور انسان به بلندی های روحانی مستلزم تجربه دوره های بیشمار تناسخ است.

اصل سوم اشتراک تمام روح ها با روح کل(روح القدس) است. در تئوسوفی نوین اعتقاد بر آن است که کل موجودات اعم از جاندار و بی جان دارای روح(شعور) هستند و در گیر و دار تناسخ است که روح با حلول در تن ها(جسم ها)ی گوناگون به تکامل ادامه میدهد. روح ازلی و ابدی است ولی تن فانی. هیچ روحی بر دیگری ارجحیت ندارد. حلول روح و یا تناسخ بر پایه قانون و یا نظم جهانی(علت و معلول) یا کارما⁷⁷ بطور طبیعی و خودجوش و یا طی تلاش فردی برای گشایش شعور صورت میگیرد. کارما نمادی از عدالت کیهانی روح القدس است. نیکی و نظم با نیکی و نظم، رشتی و آشوب با رشتی و آشوب رویارو میشود. بنابراین رقص موزون و هم آهنگ مناسبات در میان موجودات کاینات در انطباق با آهنگ کارما ممکن است و بس.

در اصل چهارم بلاواتسکی از تکامل یابی اجداد هفتگانه نسل انسان⁹ سخن میراند که در قاره های مختلف کره زمین بوقوع می پیوندد. جد نسل فعلی انسان را جد پنجم میداند که پس از به زیر دریا مدفون شدن قاره آتلانتیس در مهد آسیای مرکزی پرورش یافته بود. به همراه تناسخ نسل انسان پدیده تناوب پیدایش و اضمحلال کره زمین نیز دیده شده است.

اصل پنجم اشاره به تولد تن آسترال است که قبل از تن فیزیکال پیدایش می یابد. تن آسترال (هیجانی، احساسی) که حکایت از پیدایش حیوانات و گیاهان است مدلی برای تن فیزیکال میشود. در این دوره از حیات(تکامل) انسان قبل از هر پستاندار دیگری(حیوانات) صورت میگیرد؛ اصلی که به اصل ششم مشهور است..

گو اینگه برخی از اصول یاد شده در بالا با نظریه های علمی تطبیق نمی کنند در سال های بعد تئوسوفی با تلاش های بسیار و تعادلاتی که در نظریه ها دادند آنرا قابل فهمتر میکنند.

شرح مختصری از اصول تئوسوفی نوین که در بالا رفت با توضیحات مفصلی که در دنباله

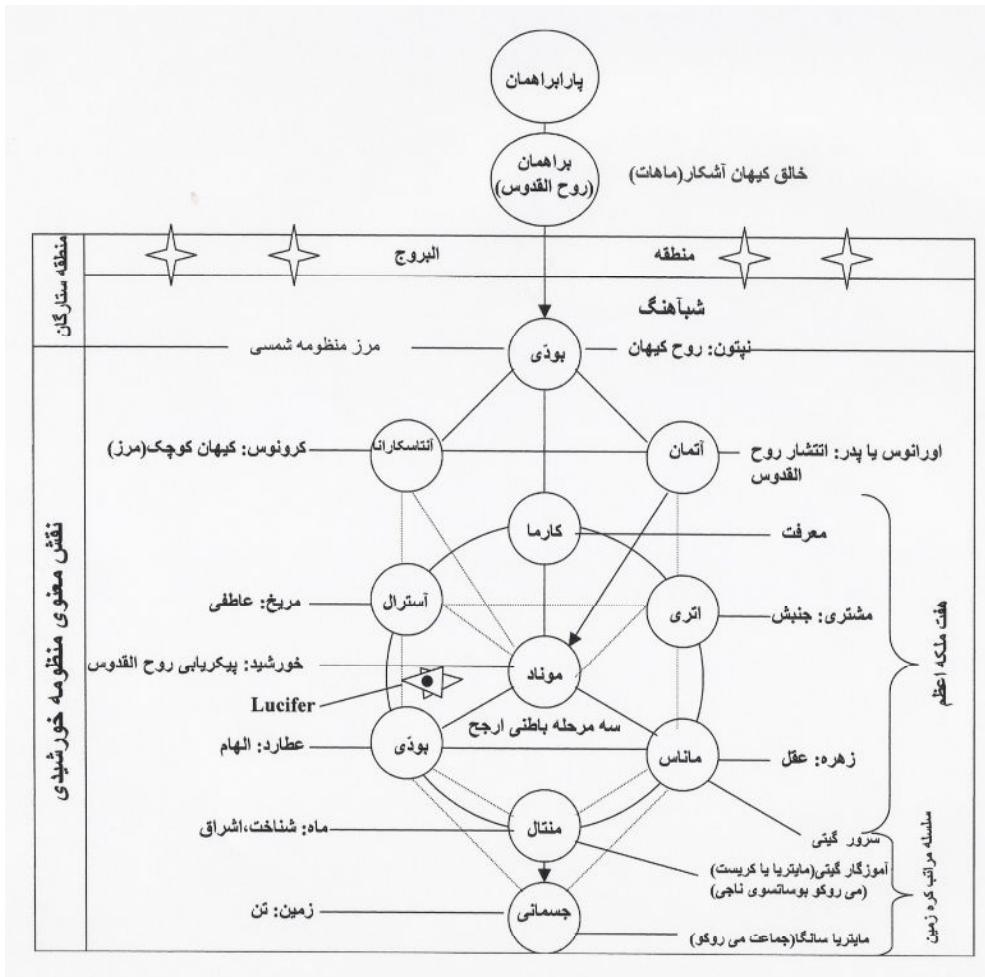
⁷⁶ Christos

⁷⁷ Karma

خواهد آمد بی گمان مضمون اصول این مکتب شفاف تر خواهد گردید.

شکل 9 سلسله مراتب آفرینش(جريان از بالا بسوی پائين) و تکامل(جريان از پائين بسوی بالا) را نشان ميدهد. در رأس پلکان آفرینش پارابراهمان(بجای زروان در آئين ميترا) قرار دارد که از خصلت بی خصلتی(نادوگانه) برخوردارست. نيت پارابراهمان(لوگوس اول و دوم) به روح القدس براها منقول ميشود که مبدع خلق جهان ، آتش يا آغازگر آنچه آشكار است ميشود.

براها پيکر يابي سه وجه مقدس حقیقت مطلق(پارابراهمان) يعني شعوری(روحانی)، زیستی (زندگی) و جسمانی(فرم يا قالب) در جهان آشكار را به سه ملکه خود که مثلث مقدس را تشکيل ميدهد محول ميکند. هر کدام از اين سه حوزه در هفت سطح تکاملی گشایش می یابد.



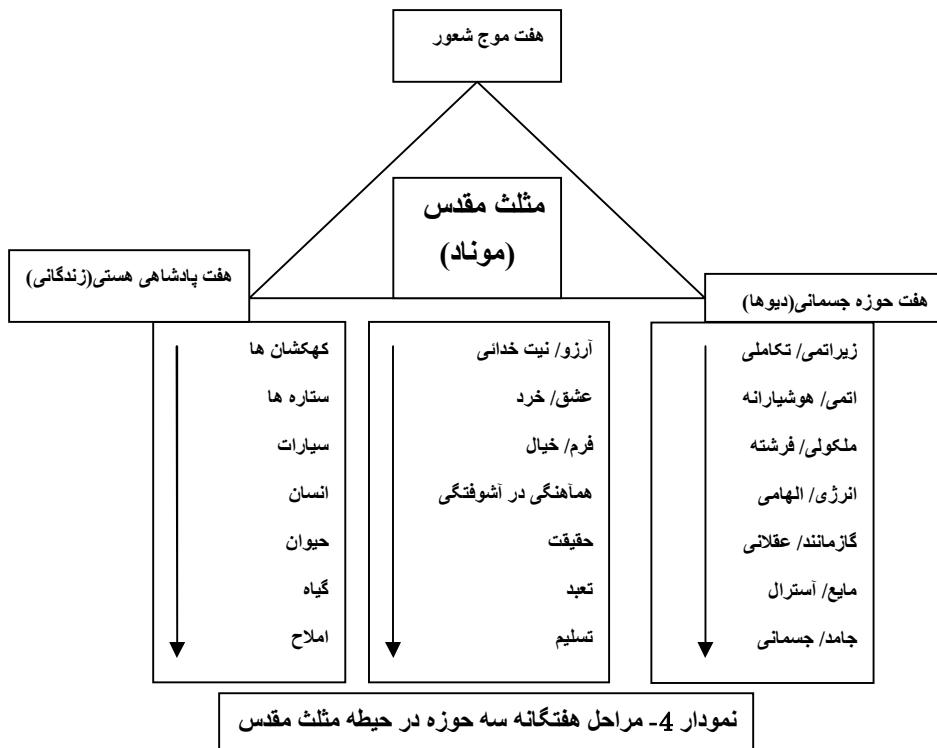
شکل 9- تعبير توسوفی نوین از روابط بين اجزاء کائنات(مجموعه جهان عینی و ذهنی). در اين ترکيب Lucifer اين همانی با اهريمن دارد.

در اينجا لازم است به چند نکته دقت شود. آنطور که از نمودار 4 هم آشكار است آفرینش کهکشان ها، ستارگان و سيارات قبل از انسان و پيدايش حيوان و گياه، و املاح بعد از انسان صورت ميگيرد.

مرتبه قدس در حوزه هفت پادشاهی هستی بر حسب ترتیب پیدايش آنها که حکایت از غلظت

حضور مثال مقدس میکند معین میشود. بنابراین سیر تکامل انسان از راه این همانی با سیارات، ستارگان و کهکشان‌ها در مراتب آفرینش بسوی مبداء صورت خواهد گرفت.

همانطور که در شکل ۹ هم نشان داده شده است خورشید در مرکز سیارات منظومه شمسی به عنوان کانون اصلی انعکاس دهنده نور مثال مقدس به "موناد" نام گذاری شده است. موناد هسته یا خمیره متشکله تمام هستی هاست؛ زیرا که بازتاب دهنده سه عنصر اصلی مثال مقدس یعنی شعور، زیست و قالب یا انرژی (متراffد با روح، ذهن و تن) می‌باشد. موناد همان مثال مقدس است که در سرتاسر عرصه‌های هستی در عمق موجودات جاندار و بی‌جان حضور دارد. تصفیه، تخلیص یا رهائی موناد نهفته در پوشش هستی‌ها، و ارتقای آن به فراز مثال مقدس موناد (خالص) هدف غائی هستی‌ها در سه عرصه وجود است. هم کیهان (که همچنین زنده بشمار می‌آید)، هم انسان با تداوم دوره‌های متنابوب حیات و مرگ (تناسخ) تلاش میکند تا به این هدف تحقق ببخشد.



تخلیص موناد پوست انداختن پوشش‌های اخلاق‌گر و یا دیو‌ها (قالب یا انرژی) در موجودات است. در باورهای قدیم اهربیمن، شیطان در نقش مانع رهائی ظاهر میشند؛ در تئوسوفی نوین **جهل** دشمن اصلی شناخته میشود. ما در سطور آینده به راه‌های مبارزه با **جهل** و آزاد سازی موناد انسان به تفصیل توضیح خواهیم داد.

در سیر آفرینش (از بالا به سوی پائین) موناد با پوشش از انرژی‌ها به شکل‌های گوناگون ظاهر میشود که همانا هستی‌های تدقیک شده در سه عرصه زندگی هستند. حرکت آفرینش تبدیل یک (هستی ظریف) به بسیار (هستی زخت) و حرکت اعلای شعور و یا خلوص موناد (از پائین

به سوی بالا) تبدیل بسیار(هستی زمخت) به یک(هستی ظریف) است. به عبارتی واحد در بسیار و بسیار در واحد ظهور میکند.

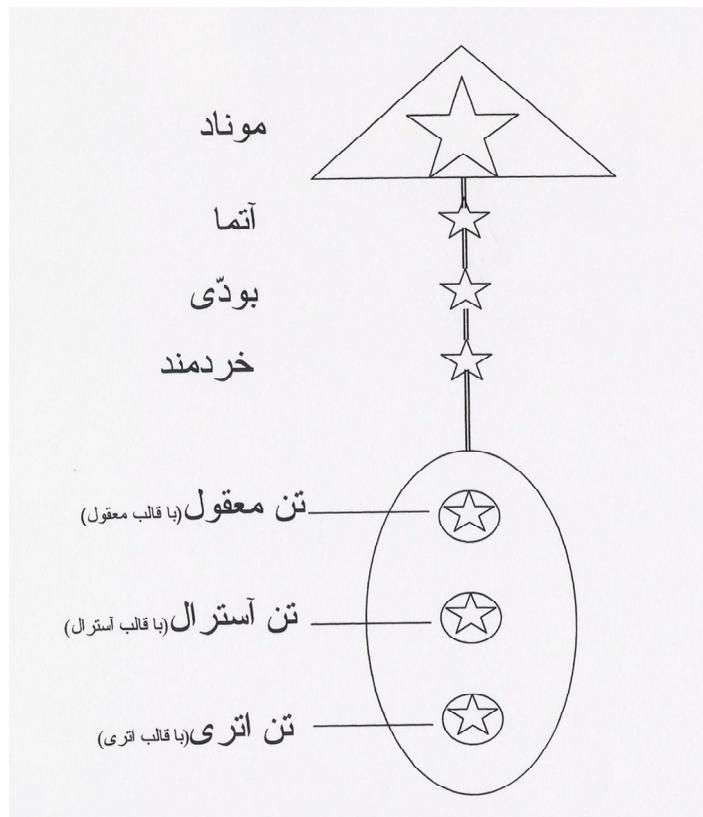
جدول 9 و شکل 10 سلسله مراتب صعود شعور و یا رهائی مرحله مند موناد محبوس در موجودات را بدست میدهد.

مراتب روحانی	سطح شعور	سیاره متناظر	انواع تن ها(شخصیت ها)
جسمانی، گیاهی	موجودیت مادی	مشتری	1. تن فیزیکال یا اتری
حیوانی	احساسی و عاطفی	مریخ	2. تن آسترال(Astral)
انسانی	عقلانی کنکریت	ماه	3. تن دانا
بودی ساتوا(مرشد)	خردمندانه، سعه صدر	زهره	4. تن خردمند
بودا	الهامی- بیداری	عطارد	5. بودی(Buddi)
ماهاتما	روحانی، خدای درونی	اورانوس	6. آتما(Atma)
شاهد ساكت	خلوص خدائی	خورشید	7. مونادی (Monadic)

جدول 9- مراحل پوشش تن موجودات به همراه مضمون شعوری محبوس در آنها.

تعییر رابطه سیّارات با مناسبات درونی انسان در تئوسوفی نوین منطبق با تعییرات در الهیات میترانی است. خورشید در مرکز منظومه شمسی با جذب روشنائی ستاره ها و کهکشان ها (شب‌آهنگ)- ستاره نورانی روبروی دماغ دب اکبر)، سیّارات را به اندازه های متفاوتی به نور خود منور میکند. سیّارات گیرنده و انتقال دهنده روشنائی خورشید به هستی ها مخصوصا انسان اند. انسان از راه این همانی با سیّارات مرحله به مرحله شعور خود را به مرکز نور یعنی خورشید ارتقاء میدهد و از این روش در تخلیص موناد خود به فراز موناد مثلث مقدس تلاش میکند.

باور براین است که سیّارات زهره و ماه در خلق انسان در روی زمین همکاری و کوشش کردند. و اما در تئوسوفی نوین تاریکی و روشنائی به چه نحو تعریف شده و راه مبارزه با تاریکی با ابزار روشنائی کدام است؟



شکل 10- مراحل تعالی موناد محبوس در تن های مختلف.

همانطور که در سطور قبل به آن اشاره کردیم در تئوسوی نوین **جهل**(پوشش یا قالبی که موناد شور را در خود زندانی کرده) به عنوان تاریکی یا عامل ممانعت از اعتلای شعور و تکامل انسان بشمار می‌آید. **جهل** است که از راه تبعیض، بدگمانی، بی نظمی، بی برنامگی، خرافات، تعصّب و تام گرائی تمایل به تخریب، گستنگی و واپسکرائی میکند. تئوسوی نوین برای مبارزه با این **جهل** اعتلای فرهنگی و تهذیب اخلاق را مد نظر میگیرد. **نیکلای رریخ** به همراه همسرش **إلنا** هر دو از آموزگار خودشان موریا ای اعظم الهام گرفته بودند؛ و آموزش موریا هم چیزی جدا از آموزش های میترا یعنی در **وصلات** با آتش یا آگونی یوگا⁷⁸ نبود. آنها با تاسیس کمیونیتی میترا(مایتریا سانگ=رفقای میترا) هم خود را صرف ایجاد یک **جنبش فرهنگ آفرینی** کردند که خمیر مایه آن **اخلاق پویا** است. اخلاق پویا منفعت عامه را بر منافع فردی ارجحیت داده و همکاری فراگیر را در تمام زوایای زندگی اشاعه میدهد. لازمه عملی کردن اهداف مشترک تلاش و همکاری در تحقق امور زیراست:

1. شناخت آزادانه و فعل و پرهیز از ایمان صرف،
2. خود بنیاد بودن و حذر از اتكای بی مورد به دیگران،
3. پرهیز از اتكاء به کاریزما،
4. پرهیز از کیمیاگری، شعبدہ، معجزه و توانائی های فوق نرمال و غیره،
5. تائید تکثرگرائی و معیار بین.

با عملی کردن آموزش های فوق فرد به اخلاق پویا دسترسی پیدا کرده و به جمع رفقای میترا می‌پیوندد.

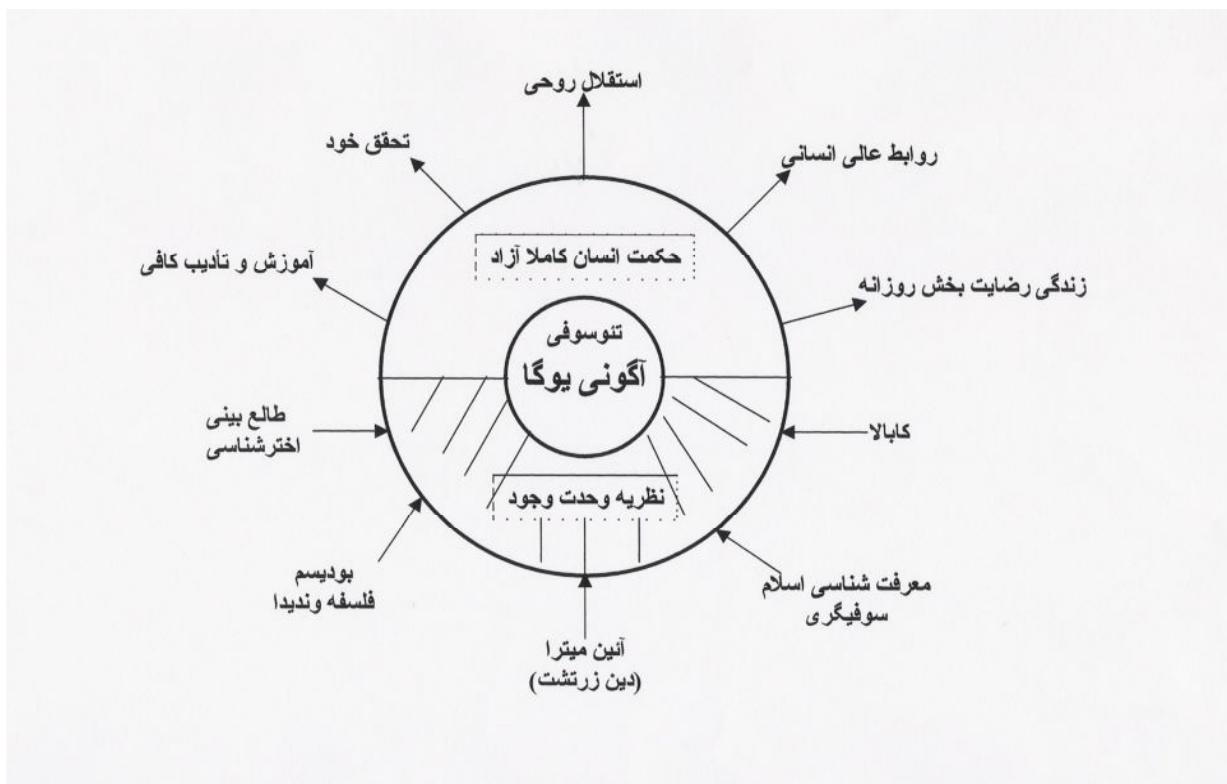
تئوسوی نوین راه های تعمّق و مراقبه های فردی را که بیشتر در آموزش های بودائی مرسوم است تشویق نمیکند. در مقابل **بنیامین کرمه**⁷⁹ مراقبه جمعی را توصیه میکند. در مراقبه جمعی نقاط یا انرژی تاریک درون شعور ناگاه جمع با قدرت بیشتری رو به خلوص و پاکی میگذارد. اصولا در تئوسوی نوین اصالت انسان در مرکز مناسبات قرار داشته و به جای استمداد از، و یا آرزوی ظهرور فی البداهه میترا، کریست، مهدی، بودا و خدایان و امامان، سعی در پرورش و ساختن انسان های والا و یا تسهیل صعود شعور انسان به فراز میترا، کریست و مهدی و بودا وغیره میکند. شکل 11 **الگوی انسان** را در آموزش های آگونی یوگا به اختصار نمایش میدهد. انسان کاملا آزاد هدف این مکتب بشمار می‌آید. و بالاخره تئوسوی نوین با وفاداری به آموزش های آتش میترا در قرن بیست و یکم ارتقاء شعور انسان به اصل خود را منوط به موارد زیر میداند:

1. با صیانت از یکایک انسان ها باعث شکوفائی شخصیت آنها شدن،
2. بالابردن حس احترام به حقوق بشر، تجدید نظر روی تمایلات قومیتی در سراسر نقاط دنیا و ایجاد روابط انسانی و اجتماعی بر مبنای احترام به فرد و صیانت از شخصیت فردی،
3. به جهت عملی کردن موارد بالا لازم است تا هسته های مشترک دوستی جهان شمول نوینی را طرح کرد؛ الف: ارتقاء آگاهی مردم در اینکه خدا باوجود اسمی مختلف در فرهنگ های گوناگون تنها یک حقیقت و آن هم بینهایت و مطلق است،

⁷⁸ Agni Yoga

⁷⁹ Benjamin Creme

- ب: برقراری عدالت نوینی بر اساس قانون تعادل عمومی کاینات،
 پ: ایجاد دینی که از باور خشک و ایدئولژی پرهیز کند.
4. بهره گیری از دست آوردهای علمی و گسترش شعور انسان بجهت توجه بیشتر به مسئله محیط زیست و کیهان،
5. آموزش و پرورش کادر های انسانی با درک بالای جهانگرائی و تشویق آنها به فعالیت در زمینه های گفتمان فرهنگی و ایجاد روابط واقعی مخصوصا با کشورهای همسایه.



شکل 11- آموزش های میترا.

جمع‌بندی:

جدول مقایسه فرهنگ‌های دینی

دین/ آثین	حقیقت مطلق	نیت(نفس) حقیقت مطلق	وجود یکتا	خالق جهان آشکار
تتوسوفی نوین	پارابراهمان، آن، سبب	لوگوس اول، آغاز تابش، نور جهان	براهمان، لوگوس دوم، سحر	ماهات، براهم، نور آشکار، عقل کیهانی
میترانیسم	زروان	نیت زروان	نور بینهایت	میترا، روح کیهان، روح زنده، آتش
اسلام	الله، حق، واجب الوجود (ابن سینا)، نور الانوار (سهروردی)	اشاره اول، بخوان	(کونی قدر)، فرشته عقل، عقل اول	جبرئیل، روح القوس، قلم، روح کیهان، کونی
مسیحیت				یهوه، IAO
کابلا	آین سوف (بینهایت، هیچ)		آین سوف آنور (روشنائی بینهایت)	مناترون، IAO
بودیسم	ادی بودا، نور بینهایت، نورای، خالی	Vajrasattva (برابر با لوگوس اول)	Vajradhara (برابر با لوگوس اول)	دارماکایا(Dharmakaya)، ماهاوایروکانا، سامبوگاکایا (Sambhogakaya)

دن باله....

دین/ آثین	تخم آغازین			سلطان جهان
تتوسوفی نوین	براهمان آشکار	آتما(خدای درون)	ارتش ندا، دیانی	صاحب جهان، چهره کوچک(هفت سیاره)
میترانیسم	روح کیهان، زنخدا	اهورامزدا، پدر، شاه	پنج اله اعظم	نور شکوه و بخت (Xwarenah- کوارنا-)
اسلام	روح کیهان(قدر)، آدم بهشت، دریای نورانی بیکران، دره بیکران، عقل دوم	اطاق روشنائی خیره کننده، فرمانده بروج، وحی کننده بینهایت (وحی بروج به انسان)، عقل سوم	سنگ نشسته در بهشت، دفتر در بهشت، یاقوت سرخ، عقل چهارم، روح کیهان(قدر)	عقل هفتم، لبخندی که فرشته سحر گویندش (ابن سینا)
مسیحیت	کریست بهشت، دختر مقدس	پدر، یهوه، فرمانده لشکر	مادر، الاهان اعظم	میخانیل
کابلا	صفیر اول، آدم کادمان	پدر، یهوه، صفير دوم	مادر، صفير سوم	صفیر ششم
بودیسم	شور آرایا	سامبوگاکایا	بودی ساتوا(بوساتسو)	
اخترشناسی	پیتون	اورانوس	کرونوس	خورشید

دنیاله.....

دین/ آئین	انسان	گوهر روحانی	آموزگار جهان	انسان هدایت شده (بوسیله آموزگار جهان)	جنگ در بهشت
تتوسفی نوین	موناد، کریستوس	ناجی جهان، کریست	مالتریا	زردشت، موسی، بودا، عیسی، دیگران	اهریمن، آشورا
میترانیسم	اهورامزدا، پاره های نور	فرستاده سوم، شیخ زبیا	مانی	زردشت، موسی، بودا، عیسی،	اهریمن
اسلام	مروارید	مهدی		حضرت محمد، امامان، پیامبران بیگر، ولی	ابليس
مسیحیت	مسیح درون، کریست یومن	روح مقدس	روح	مسیح، دینمردان	شیطان
کابala	عقل ششم، مشیا	صفیرانهم		موسی، ایلیاء، دینمردان	شیطان
بودیسم	گوهر بودائی، آمیدا	می روکو بوساتسو		مربی(آچاریا) که حکمت بودا را گسترش میدهد.	مایا Acharya Vishaalam Dharma
اخترشناسی	خورشید	ماه			

[1] پیروان مغان یا خرمدینان مردمی بودند که بعدا در ادیان توحیدی به مجوسان، گبران معروف شدند. زیرا که آنها نه کتاب آسمانی داشتند و نه یک ترکیب منجس سیستماتیک دینی. آموزه های دین مغان که به فرهنگ سیمرغی هم مشهور است بیشتر از متون اسطوره های باستان ، منابع پراکنده ادبیات اساطیری و کتاب های زردشتی که برخی هم مسخ و تحریف شده اند جمع آوری شده است. ما در دنباله به اختصار به مفهومات آفرینش، تکامل، وحدت و کثرت در این فرهنگ اشاره میکنیم.

آنها به خدای واحد، همه توانا و همه آگاه معتقد نبودند. خدا را دارای خصوصیات مادینگی، تخم خود زا و خود رویش میدانستند که در نهان تن هر انسانی نهفته است. انسان با آگاهی نسبی به وجود زندایان درون خود، خدای خود را تصویر میکرد. بنابراین هر کسی در سطح شعور خود، خدای خود را کشف میکرد. با ارتقای شعور فرد مفهوم خدا هم تکامل می یافت. در باور این مردم اصلت انسان در روند تکامل از اهمیت حیاتی برخوردار بود. اصل تکامل در این فرهنگ به صراحت تاکید می شود. از میان سی و سه خدا، میتوان به عنوان خدایان معروف این فرهنگ به **وهومینو**(بهمن)، **فرورَد**(سیمرغ)، **انگرامینو** (بهرام پسر سیمرغ)، آناهیتا یا رام(زهره دختر سیمرغ) آرمیتی(خدای زمین)، سروش و رشن اشاره کرد. زندایان ایران با وجود این که در ماه منزل داشتند ولی در تمام واقعیات سه عرصه فیزیکی(آب، زمین و غیره)، زیستی(گیاه، حیوان و انسان) و معنویت(شعور انسان) حضور نمادین داشتند. باوجود رنگارنگی و استقلال عمل خدایان، آنها با هم ستیز نمی کردند. وهمینو(بهمن) در همه جا و هر زمان با حضور خود عامل اتصال و هم آهنگی بین خدایان و تمام مناسبات عینی و ذهنی کاینات بود. بجهنم که معلوم مجھول است میان، کمر یا جگر هر ارتباطی بود. وحدت خدایان کثرت آنها را ممکن میکرد. مردم باستان باور داشتند که آفرینش کره زمین و موجودات بر روی آن از (آب) بارانی که سیمرغ از آسمان میارد آغاز میشد. خدا به آب، آب به زمین، زمین به گیاه، گیاه به حیوان، حیوان به انسان و بالاخره انسان به خدا تکامل می یافت. انسان و خدا به یکدیگر تبدیل میشدند. تداوم بی نهایت روند تناوب آفرینش در هر سال امر تکامل را ممکن میساخت. سیمرغ که ارتافرورد بود هرماه با دخترش زهره سپنتامینو نامیده میشد و با ماه این همانی داشت. در فرهنگ باستان سیمرغ با برخورداری از بی نهایت چهره در میان ایرانیان جایگاه بسی شکوهمند داشت. برای نمونه میتوان به شش چهره سیمرغ که امشاسپندان (همزادان) او بودند اشاره کرد. خوشزیستی(خرداد)، دیرزیستی(امداد)، موسیقی، مهر، جنبش و بینش از آن جمله اند. چهره های سیمرغ که جنبه های اخلاقی، سیاسی، پژوهشی و اجتماعی داشت ابزار راهبردی و کاربردی جهت اعتلای انسان بودند.

برای آگاهی بیشتر به فرهنگ زندایی ایران باستان به کتاب های منوچهر جمالی و یا به تارنماهای زیر مراجعه کنید:

www.khomam.com

www.farhangshahr.com

[/www.jamali-online.com](http://www.jamali-online.com)

[2] در پیناهای اوستا امشاسب‌دان، یاران یا چهره‌های اهورا مزدا(سپنتمینو) بودند که از سه جفت دوتائی جمua شش یار ترکیب شده بودند. هر کدام از آنها یک بعد از آفرینش را نمایندگی میکردند که گاهنبار(تقویم) ایران باستان در ارتباط با آن تنظیم میشد. هر گاهنبار از آفرینش همراه با جشن هائی برگزار میشد. اهورامزدا(سپنتا مینو) خود نماد انسان خردمند و کامل بود.

(به جدول زیر نگاه کنید).

فارسی	اوستائی	جنس	ویژگی	آفرینش
۱- بهمن	و هومنه(vohu manah)	نرینه	پندر نیک	حیوان
۲- آرمیتی(اسفند)	اسپنتا آرمیتی(spenta armaiti)	مادینه	تقوا	زمین
۳- آشا(اردیبهشت)	آشا واهیشا(asha vahishta)	نرینه	حقیقت- راستی	آتش
۴- خرداد	هائزروتات(haurvatat)	مادینه	کمال	آب
۵- شهریور	خشنّه و ایریا(khshathra vairya)	نرینه	اقدار	فلز
۶- مرداد	امرارات(amaratat)	مادینه	جادانی	گیاه

امشاپندان 1 و 2 نماد پندر نیک(هومنت)، 3 و 4 نماد گفتار نیک(هوخت) و 5 و 6 نماد کردار نیک(هوشت) بودند.

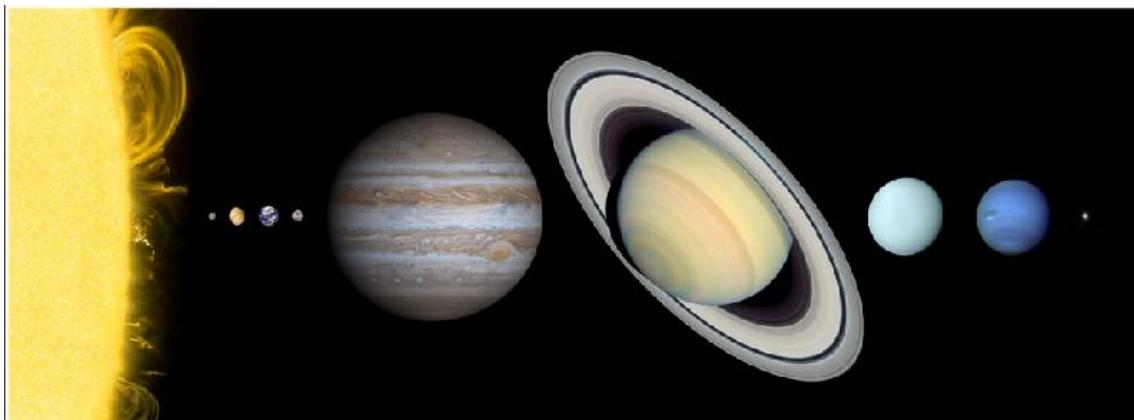
باید توجه داشت که با ورود اهورامزدا در باورهای الهی، خدای نمادین باستان ایران یعنی ارتافرورد(سپنتمینو) محو گردید و خدایان دیگر که در دین ایرانیان قبل از زرتشتی آزاد و مسفل عمل میکردند به دستیاران تحت فرمان اهورامزدا تقليل مقام یافتند.

[3] میترا در سرتاسر دنیا یا در فرهنگ‌های گوناگون به نام‌های مختلف نامیده میشد است. این لیست نشان از تاثیر جهان‌گیر میترائیسم در فرهنگ‌های اقوام گوناگون دارد.

فارسی	لاتین یا انگلیسی	منطقه/ فرهنگ
میترا	Mithra	امپراتوری روم(ایتالیا، اسپانیا، فرانسه، کشورهای اروپای جنوبی)
میتراس	Mithras	امپراتوری روم(آلمان و کشورهای اروپای شمالی)
پرسوس	Perseus	امپراتوری روم خاوری، بابل
خدای شکست ناپذیر	Deus Invictus	امپراتوری روم
خوشید شکست ناپذیر	Sol Invictus Mithras	امپراتوری روم
خالق کیهان	Kosmokrator	امپراتوری روم، بلیلی‌ها(مکتب رواقیون)
معمار کیهان	Demiurge	افلاطون، بلیلی‌ها(مکتب روقيون)
میانجی	Mediator	آسیای باختری، آسیای مرکزی، امپراتوری روم
هلی یوس	Helios	بابلی‌ها(مکتب رواقیون)
مهر	Mehr	ایران
میهر	Mikher	ارمنستان
مهریزد	Mihryazd	آسیای باختری(اقوام کرد)، آسیای مرکزی
قاضی کیهان	Judge of Kosmos	آسیای باختری

آسیای باختری، آسیای مرکزی	The living spirit, first right hand, Second Son, Resurrector of Light, The Friend of Light, Prince or the Chief of Angels, the Holy Spirit	روح زنده، دست راست خدا، فرزند دوم پدر، ناجی نورانی، دوست روشنائی، فرمانده ارتش فرشتگان، روح مقدس
اسلام، آسیای باختری، امپراتوری روم	The Ruling Reason	عقل راهنما
چین	White Buddha, Miwe, Mi, the Living Spirit, the Pure Wind, Pu-tai	بودای سفید، می او(مرغ نهان)، می(نهان)، روح زنده، باد خالص، پوتای
بودیسم	Maitreya, Maitreya Ajita the Coming Buddha	مایتربیا(می روکو)، می روکوی شکست ناپذیر، بودای آینده
بودیسم تبت	Lord of Shambhala	پادشاه شامبala
دین یهود	Metatron, Second Lord, Little YAHWH	متاترون، خدای ثانوی، یوه کوچک
مسیحیت، آئین میترا	Christ, the Spirit of Truth	کریست(ناجی کیهان)، روح حقیقت
مسیحیت، اسلام	Michael	میخائل(جبرئیل)
اسلام	Al-Mahdi, al-Muntazar, al-Muta', Occulted Imam Axis of Kosmos, Light of God, Pen	مهدی، منتظر، نماینده خدا، امام غائب، محور کیهان، نور خدا، قلم
تئوسوفی نوین	Maitreya the Christ, the World Teacher, Mahat	مایتربیا کریست، آموزگار جهان، ماهات
عرفان باستان	Abraxas, Abraxas IAO	ابراکسas
مصر باستان	Horus	هوروس

4. تصویر زیر منظومه خورشیدی(Solar System) را نشان میدهد. نه سیاره در اطراف خورشید دیده میشود که اخترشناسی باستان هم از وجود آنها آگاهی داشته است ولی با برداشتی



متفاوت.

ستاره خورشید	عطارد	زهره	زمین	مریخ	مشتری	زحل	اورانوس	نپتون	هادیس یا پلوتو
فاصله سیاره تا خورشید	58 م.ک	108 م.ک	150 م.ک	217 م.ک	778 م.ک	1427 ب.ک	2.87 ب.ک	4.497 ب.ک	5.913 ب.ک
قطر سیاره	4878 کیلومتر	12104 کیلومتر	12756 کیلومتر	6750 کیلومتر	142984 کیلومتر	120536 کیلومتر	51118 کیلومتر	49528 کیلومتر	2390 کیلومتر

م.ک: میلیون کیلومتر، ب.ک: بیلیون کیلومتر

ولی بر خلاف یافته های اختر شناسی نوین که کره زمین را دوار و خورشید را ساکن میداند اختر شناسی باستان معتقد بود که ستارگان و خورشیدند که به دور کره زمین ثابت در گردش اند. خورشید بعلاوه یک گردش روزانه دارای یک گردش سالانه نیز به دور زمین بود. خورشید بعلاوه بر گردشی که به دور زمین میکرد در امتداد کمربند زودیاک(بروج دوازده گانه- نوشت ۵ نگاه کنید) هیچ برجی را از روشنائی خدایی خود بی بهره نمی گذاشت.

بد نیست بدانیم که ماه ستلایت(طبیعی) سیاره زمین است که به تعادل محور زمین و آب و هوای محیط کمک میکند. در نبود ماه زندگی بر روی زمین با نابسامانی مواجه میشود.

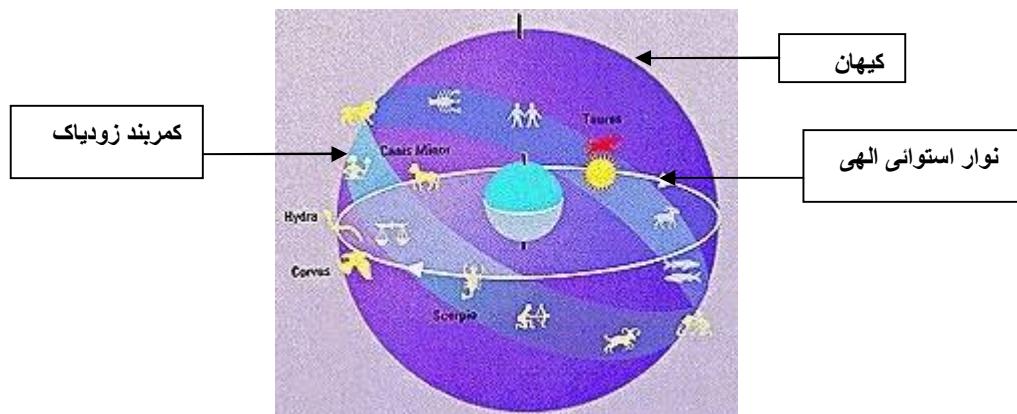
5. در پژوهش های ستاره شناسی حدود 88 برج یا تصاویر فلکی رصد شده است. در امتداد خط کمربندی کره زمین 12 برج فلکی(منطقه البروج) قابل رویت است که در آئین میترا مورد توجه فرار میگیرد، و هر کدام از این بروج نماد یک هستی بود. منطقه البروج یا زودیاک (تصاویر آسمانی زنده) مرز بین جهان و سرزمین نور بود. نام های بروج و زمانی که در آسمان قابل رویت میشوند در جدول صفحه بعد آمده است.

زمان ظهر		نام برج		
ماه فرنگی	ماه ایرانی	لاتین	انگلیسی	فارسی
21 مارس تا 19 آوریل	فروردین	Aries	Ram	1- برہ
20 آوریل تا 20 مه	اردیبهشت	Taurus	Bull	2- گاو
21 مه تا 22 ژون	خرداد	Gemini	Twin	3- دوپیکر
22 ژون تا 22 ژوئن	تیر	Cancer	Crab	4- خرچنگ
22 ژوئن تا 22 آگوست	مرداد	Leo	Lion	5- شیر
22 آگوست تا 22 سپتامبر	شهریور	Virgo	Virgin	6- خوشه (دوشیزه)
23 سپتامبر تا 23 اکتبر	مهر	Libra	Balance	7- ترازو
24 اکتبر تا 22 نوامبر	آبان	Scorpio	Scorpion	8- کژدم
23 نوامبر تا 21 دسامبر	آذر	Sagittarius	Archer	9- کمان
22 دسامبر تا 19 ژانویه	دی	Capricorn	Goat	10- بُز
20 ژانویه تا 18 فوریه	بهمن	Aquarius	Dull	11- شاهین
19 فوریه تا 20 مارس	اسفند	Pisces	Fish	12- ماهی

به موازات خط کمربندی زمین(به دور محور عمودی قطب شمال و جنوب) یک نوار استوائی الهی(celestial equator) وجود دارد که با کمربند زودیاک در تلاقی قرار میگیرد(به شکل صفحه ⁸⁰ندی نگاه کنید).

بروج دوازده گانه که یک واقعیت تائید شده در اخترشناسی کهن و نوین است، در الهیات میترائی مصافاً دارای بعد بسیار مهم مذهبی و نشان از یک تقدس سرّی کیهانی بود. نقطه تلاقی دایره استوای الهی با کمربند زودیاک را نقطه اعتدالین (equinox) می‌نامند که مصادف با روز اول بهار و نقطه مقابل آن روز اول پائیز است. در این نقطه تلاقی درازای روز و شب با هم یکسان است. پدیده ثابت شده دیگر در علم اختر شناسی انحراف محور زمین است که به همراه این انحراف اجبارا نوار استوای الهی هم تغییر محور میدهد. تغییر محور دایره استوای الهی سبب میشود که نقطه تلاقی آن با کمربند زودیاک نیز تغییر کند. تغییر نقطه اعتدالین (precession of the equinoxes) هر از 2160 سال یکبار صورت میگیرد؛ این پدیده باعث میشود تا نقطه اعتدالین (equinoxes) هر بار روی یکی از بروج دوازده گانه متتمرکز شود که تاریخ به دوران آن برج نامیده میشود. گذشتن از یک برج به معنای پایان یا مرگ دوره زندگی آن برج است. گذشتن از تمام بروج جمعاً 25920 سال طول میکشد که برابر با یک زندگی ادوری کیهان تعییر میشده است. دوران میترا را روزگار گاو(Age of Taurus)(به شکل زیر نگاه کنید) میشمارند. گذشتن از یک برج که ضمناً نشانه گردش کیهان است بدست خدای توانای نامری صورت می‌گرفته است. از

80 این شکل از مقاله زیر به عاریت گرفته شده است:
MITHRAISM- The Cosmic Mysteries of Mithras, by David Ulansey.



اینجاست که میترا برای نشان دادن قدرت خدائی خود گاو مقدس را ذبح میکند. آمیزش باورهای دینی با اخترشناسی بابلیان قبل توجه است. در مورد رویداد ذبح گاو در میترای باختری ما خواننده را به متن نوشتار و همینطور به پی نوشته **[6]** بازگشت میدهیم.

[6] ذبح گاو مقدس، هم در آئین مزدائی و هم پیش پیروان دین زندائی باستان ایرانیان تقدیح شده است. در بندeshen (مبحث کیهان شناسی در اوستا) می آید که اهورامزدا قبل از خلق کیومرث (اولین انسان در دین مزدائی) این گاو را می آفریند و از او در مقابل آزار اهریمن حفاظت میکند؛ زیرا که این گاو نماد آفرینش بوده است. اما گاو مورد حمله اهریمن قرار میگیرد و به قتل میرسد. ولی بعداً از مغز این گاو گاوهای بسیار دیگر متولد میشوند. این گاو نماد آفرینش بوده است و کشن او از حرکات اهریمنی بشمار می آمده است.

در دین زندائی این گاو که به "گش" یا "گه او" یا نماد زندگی و جان جانان یعنی خود سیمرغ یا افروذیت شناخته میشده است هرگز مورد آزار قرار نمی گرفته است. مرگ گش برابر با جدائی زندگی در آسمان و زمین بوده است. در فرهنگ باستان، آسمان و زمین در پیوند پویا و ناگسستنی با هم ادامه داشته است. خدای در آسمان با مخلوقات روی زمین حکم سرور و بندۀ را نداشته اند بلکه با هم تکامل می یافته اند. عمل گاو کشی میترا یکی از منفور ترین اعمال در متلاشی کردن باورهای فرهنگ ایران باستان بشمار می آید.

مسیحیان که در قرن چهارم در باختر قدرت گرفتند با ضدیت و تنفری که نسبت به آئین میترانی ابراز میکردند میترا را میترا گاو دزد لقب داده بودند.

[7] مطالب مربوط به یزدان مهر از مقاله جدگانه ای استخراج و به اختصار در آمده است.
مشتقان میتوانند اصل مقاله را به ژاپنی در تارنمای زیر مطالعه کنند:

<http://home2.highway.ne.jp/miiboat/magimenu.htm>

مراجع زیر در مقاله اصلی مورد استفاده قرار گرفته اند:

- 1- کتاب الهافت (Ketab al-Haft)
- 2- کتاب الازیلا (Ketab al-Azilla)

- 3- کتاب الاصول(Ketab al-Usul)
- 4- کتاب جلوای(Ketab-e Jilwa)
- 5- خورشید نامه(Khorshid Nama)
- 6- دیوان قول(Diwan-e Qewl)
- 7- گلستان راز(Gulestan-e Raz)
- 8- حقیقت در حقیقت(Hadiqat al-Hadiqat)
- 9- منطق الطیر عطار(Manteq at-Tair)
- 10- مثنوی معنوی(Masnavi-e Manavi)
- 11- روایت سنن کردی(Kurd Oral Tradition)
- 12- تعدادی منابع ژاپنی

[8] احوال در سوفیگری و یا عرفان به حالات عرفانی موقتی اتلاع شده و دارای طبقات می باشد. زمانی که حالات عرفانی به وضع ثابت و همیشگی در آمدند شخص به مقام نایل می آید. احوال در اشراق سهروزی عبارتند از: 1. حب(تمایلات هیجانی، عقلانی، روحانی)، 2. قرب(احساس جذبه نسبت به خود و خدا)، 3. حیاء(روح خود را برای ادامه جلال حق تسليم کردن)، 4. تعظیم، 5. قبض(نفس در غلبه است)، 6. بسط(قلب در غلبه است)، 7. اتصال(الهام قلب و مشاهده اسرار است)، 8. فنا(از خود بی خود شدن است)، 9. بقاء(برگشتن به جامعه با خصلت خدائی)۔—نقل از کتاب مبانی عرفان و احوال عارفان- تالیف دکتر علی اصغر حلبي

[9] اجداد نسل انسان.

قاره پیدایش جد انسان	اجداد نسل انسان
Borean race	جد اول نسل انسان(نسل اتری)
Hyperborean race	جد دوم نسل انسان(نسل قطب شمال)
Lemurian race	جد سوم نسل انسان(انسان نئاندرتال)
Atlantean race	جد چهارم نسل انسان(نسل نئاندرتال و انسان کنونی)
Post Atlantean race	جد پنجم نسل انسان(نسل انسان کنونی)
	جد ششم نسل انسان(انسان نوینی که از اختلاط نسل های مختلف کره زمین تولد خواهد یافت)
	جد هفتم نسل انسان(نسلی فرای نسل انسان کنونی)

قدر دانی:

لازم میدام از استاد عزیز آقای ماساتو توجو(Masato Tojo) بخاطر موافقت ایشان با برگدان فارسی اشکال و جدول های درون کتاب "الهیات میترا" سپاسگزاری بکنم. ضمنا از ایشان بجهت پاسخ به سوالات اینجانب در رابطه با این نوشتار که بی دریغ و بسیار مبسوط بودند تشکر فراون دارم.